



گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عمار
شماره بیست و چهارم / سال ششم

عدالت آموزشی

مصاحبه با حجة الاسلام دکتر محسن خاکی

حاج قاسم

بررسی ابعاد شخصیتی یک قهرمان

سینما تربیت

نقد و تحلیل فیلم سینمایی امتحان نهایی

روایت کوفه کوچک

اخبار کوتاهی از جمعاعات دانشگاه امیرکبیر و شریف

عصاره انقلاب

ویژگی های مجلس تراز انقلاب اسلامی

نگاهی گذرا به زندگی فرمانده شهید سپاه قدس، حاج قاسم را چه چیزی حاج قاسم کرد؟
سیره اخلاقی حاج قاسم سلیمانی به روایت دوستان، رسانه های مخالف و موافق از حاج
قاسم سلیمانی چه می گویند؟

صفحه ۱۰



فهرست

- ۴ سرمقاله
- ۶ عصاره انقلاب
- ۸ توبه نامه
- ۱۰ حاج قاسم
- ۱۴ روایت کوفه کوچک
- ۱۸ چهلم پدر یک خانواده
- ۱۹ درس مبارزه
- ۲۰ تمایز و همپوشانی آسیب های اجتماعی
- ۲۲ فرصت های سوخته
- ۲۴ اهل کاشانم
- ۲۶ پرونده مکتب مدرسه
- ۲۷ انفجار اطلاعات
- ۲۸ سینما تربیت
- ۳۲ مصاحبه
- ۳۷ کاریکاتور
- ۳۸ بیمه عمر آسیا

صفحه ۱۴

بعد از مشخص شدن علت
ساخته ی هواپیمای اوکراینی
در دانشگاه شریف و امیر کبیر
چه گذشت؟
روایتی از یک خبرنگار



«چه مرگوفه» گفت و گوی صمیمانه ای است با دکتر خاکی
فعال عدالتخواه حوزه آموزش و پرورش در خصوص مواضع عدالت
آموزشی؛ وضیعت آموزش و پرورش ایران و وظیفه ی دانشجوی معلمان

صفحه ۳۳



گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عمار

نشریه عمار

سال ششم، شماره بیست و چهارم، زمستان ۹۸

شناسنامه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهیدکایت

مدیرمسئول: رضا تارخ هارونی

سردبیر: محمدمهدی احمدی دستجردی

مسئول هیئت تحریریه: محمدجواد رشیدی

دبیر واحد فرهنگی: عبدالرئوف عابدی

دبیر واحد اجتماعی: محسن شیروانی

دبیر واحد علمی: محمدحسین دانشمند

دبیر واحد سیاسی: امیرحسین ابراهیمی

همکاران این شماره:

رضا معراج، مصطفی طاووسی، بنیامین نوری، محمدکاملی، مهدی

احمدی قوهکی، علی حسینی پور، مسعود عبادتی، محمدرضا حب،

سیدسجاد هاشمی، ابوالفضل عظیمی، محمدرضا فضالی، مهدی

علیخانی، محمدمامین کرمانی

ویراستار: مهدی مبینی نژاد

گرافیک و صفحه آرایی محمدمهدی احمدی دستجردی

با تشکر ویژه از:

حجة الاسلام دکتر محسن خاکی

راه های ارتباطی

<https://Ayatbso.ir>

Info@ayatbso.ir

نشانی

اصفهان، نجف آباد، امیرآباد، خیابان شهیدمطهری جنوبی

دانشگاه فرهنگیان شهیدکایت



در این شماره می خواهیم به جای سخن سردبیر، یک خاطره واقعی برایتان تعریف کنم. خاطره ای که ادامه راه این نشریه را روشن تر می کند.

شب سیزدهم دی ماه بود. خودم را به هر کاری مشغول می کردم تا خوابم ببرد اما بی تابی و بی قراری نمی گذاشت که خواب به چشمانم بیاید. خیلی نگران بودم و می ترسیدم تعداد مطالبمان برای چاپ شماره بیست و چهارم نشریه به حد نصاب نرسد. اما ما تقریباً راجع به هر موضوعی که مرتبط با شماره بیست و چهارم بود مطلب نوشته بودیم. احساس می کردم جای یک چیزی خالی است اما نمی دانستم چه. مدام در سایت ها و کتاب ها جست و جو می کردم تا شاید گم شده ام را بیابم. موضوعی که فکر می کردم جایش در شماره جدید عمار خالی است. باید چه پیدایش می کردم. یاد نمی آید چه ساعتی این فکرها در سرم عبور می کرد اما می دانم که ساعت از دوازده گذشته بود. شاید همان ساعت پر کشیدن سردار دلهايمان، من این قدر بی تاب بودم. با هر سختی که بود شب را با بی خوابی به صبح رساندم. هنوز پتو را از رویم نکشیده بودم که مادرم من را بیدار کرد و با اندوهی فراوان گفت مالک اشتر زمان رهبرمان آسمانی شد. وقتی این خبر را شنیدم تمام دنیايم روی سرم خراب شد، شاید دلیل چاپ نشدن نشریه بیست و سوم را فهمیده باشید، بگذریم سرتان را بیشتر درد نمی آورم چون همین الان هم که دارم این مطلب را می نویسم حالم خوب نیست و به فکر انتقامی سخت از جنایتکاران این حادثه ی هولناک هستم به هر حال این شماره از نشریه را به روح ملکوتی و آسمانی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، شهید حاج ابوالمهدی المهندس و شهدای همراهشان تقدیم می کنم. باشد که همگی پیرو مکتب شهید سلیمانی باشیم و نسبت به قولی که دادیم وفا کنیم و هزاران هزار قاسم سلیمانی تربیت کنیم.

انشاء الله



محمد مهدی احمدی دستچردی
سردبیر

هوای عشق



رضا تارخ
مدیر مسئول

ایدئولوژی زنده است

به بهانه ۴۱ سالگی انقلاب

بعد از آن در معرض انواع تهاجم ها سینه سپر کرد و ایستاد؛ و هر ایستادگی هزینه ای دارد. در این پیچ تاریخی خیلی از انقلابیون که سرعت حرکت خود را با ولی جامعه هماهنگ نکردند از مسیر حرکت و این جریان خارج شدند. ولی پویایی ایدئولوژی خمینی کبیر در نسل های بعدی جاری شده است و شاهد رویش های انقلاب خمینی هستیم. رویش هایی که در مکتب خمینی کبیر از جان و آبروی خود گذر کرده اند تا ایدئولوژی و تفکری که سالها بعد از انقلاب نبوی جانی دوباره گرفته بود در نسل ها جاری شود. بعد از قرن ها از انقلاب اسلام در فرهنگ جاهلی شبه جزیره عربستان، انقلاب خمینی در در میان گردنکشی های تمدن سکولار غرب و کمونیست شرق؛ نوید تمدنی جدید را داد؛ اری بعد از قرن ها از انقلاب اسلام، ایدئولوژی آن زنده است.

خمینی کبیر ۱۴۰۰ سال بعد از انقلاب نبوی در روزگاری که تمدن بزرگ اسلام رو به فراموش شدن می رفت علم اسلام را جیات دوباره بخشید و تفکر حکومت اسلامی را بنا بنایی علوی بیان کرد. ایدئولوژی ولایت فقیه که اولین بار در کتاب کشف الاسرار امام در سال ۱۳۲۲ جلوه هایی از آن نمایان بود. خمینی ایدئولوژی و تفکر حکومت اسلامی را که مقدمه ساز تمدن مهدوی بود به عنوان راه نجاتی برای ملت ایران عرصه انتخاب گذاشت. راه نجاتی نه تنها برای ملت ایران بلکه برای تمام ملل مستضعف. این شد که مردم ایران دست به انتخابی زدند که معادله سرنوشت جهان را، که سردرگمی میان حاکمیت تمدن غرب و شرق بود، بر هم زد.

انقلابی که با انقلاب حسینی در ۸ سال جنگ قدم های کودکانه خود را سرسختانه برداشت و



گرانی و اعتلای فرهنگ از مهمترین مطالبات مردم است. مجلس تراز انقلاب اسلامی مجلسی است که مردم را به آینده امیدوار و کشور را به سمت پیشرفت و تعالی سوق دهد. به امید مجلس تراز انقلابی و به امید ایرانی سربلند.

از نمایندگان منتخب مردم است. مجلس تراز انقلاب اسلامی مجلسی است که بازوی کارآمد نظام و رهبری برای حل مسائل اساسی کشور است. مجلس کارآمد اولاً نیازهای واقعی مردم را در سطح ملی می شناسد و به اصطلاح درد آشنای مردم است. ثانیاً قوانینی در راستای گره‌گشایی از این مشکلات و نیازها تصویب میکند. مقام معظم رهبری درباره ضرورت شناخت نیازهای واقعی مردم در پیامی به نمایندگان می فرماید: نیازها و مطالبات حقیقی مردم را بشناسید. اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و گرانی و اعتلای فرهنگ از مهمترین مطالبات مردم است.

“
مجلس تراز
انقلاب اسلامی
برآیند
منحصر به فرد
خصایص ملت
ایران است



علی حسینی پور
روزنامه نگار

عصاره انقلاب

مجلس تراز انقلاب اسلامی باید دارای یک سری مختصات و ویژگی‌هایی از جنس و ماهیت انقلاب اسلامی باشد. مجلس شورای اسلامی تراز انقلاب باید دارای نمایندگان، مصوبات و قوانین و عملکردی باشد که بتواند این انقلاب را نه تنها در ریل اصلی خود نگه دارد بلکه آن را چندین گام به پیش هم ببرد.

مجلس تراز انقلاب اسلامی برآیندی از خصایص منحصر به فرد ملت ایران و به فرموده امام راحل عصاره ملت باید باشد. مجلس شورای اسلامی رکن اساسی و مهم برای اداره امور کشور است و تصمیمات مجلس، آینده و سرنوشت کشور را رقم می‌زند.

مقام معظم رهبری مجلس را نهادی در راس امور می‌داند و درباره جایگاه مجلس تراز انقلاب می فرماید: مجلس شورای اسلامی یک مرکز اساسی و تعیین کننده برای انقلاب است. همه سررشته های امور به مجلس شورای اسلامی برمی‌گردد.

مجلس تراز انقلاب اسلامی مجلسی است که عصاره انقلاب اسلامی باشد. بدون تردید چنین مجلسی باید تمام ویژگی های مکتبی، اسلامی، ولایی و مردمی انقلاب اسلامی را دارا باشد تا شایسته اطلاق مجلس تراز انقلاب گردد.

در وضعیت کنونی که دشمنان خارجی به کمک ایادی داخلی آن‌ها در صدد تنگ کردن حلقه فشار اقتصادی و تهاجم نرم به جمهوری ایران هستند، انقلاب اسلامی نیازمند مجلسی انقلابی برای ایستادگی در برابر دشمنان است. مجلس تراز انقلاب اسلامی پایگاه مستحکم انقلاب و اسلام در برابر تهدیدات استکبار جهانی در اوضاع فعلی است. در نگاه مقام معظم رهبری: این مجلس برای ملت سنگر است. اما سنگری در مقابل دشمنان، در مقابل آمریکا، در مقابل ضد انقلاب، آن کسی که مردم او را به این سنگر می فرستند، می فرستند تا در این سنگر از انقلاب دفاع کند.

مجلس تراز انقلاب اسلامی مجلسی است که در راستای عدم انحراف قوانین از اسلام و ماهیت انقلاب تلاش کند. مقام معظم رهبری وظیفه اصلی مجلس را دفاع از اسلام اصیل و انقلاب می داند و می فرماید: وظیفه اصلی مجلس شورای اسلامی پای فشردن بر راه روشن و صراط مستقیم اسلام و انقلاب اسلامی است و این مهمترین توقع این جناب و ملت بزرگ و شجاع ایران



مصطفی طاووسی
دانشجوی الهیات ۹۵

توبه نامه به بهانه افزایش قیمت بنزین

به بهانه افزایش قیمت بنزین، به بهانه اعتراضات مردمی به تصمیمات ابلهانه، به بهانه عذر خواهی سلبریتی ها از حمایت ۶ سال گذشته شان، به بهانه خبر دار شدن از افزایش قیمت بنزین در صبح جمعه توسط شخص اول اجرایی کشور، به بهانه های واهی و غیر واهی، به بهانه غمی که بر روی سینه هایمان احساس می کنیم، به بهانه خون جگری که مردم بابت ارمان های از دست رفته باید بخورند، به بهانه کسانی که به آنها اعتماد کردیم و سکان اداره کشور را به دستانشان دادیم و اکنون تنها واکنششان به فشار وحشتناک بر مردم، ابراز نگرانیست، به بهانه کسی که سررشته نداشت، به بهانه مردمی که در شب ولادت و در حین جشن و پایکوبی خبر از افزایش سیصد درصدی مهمترین حامل انرژی را از اپراتور پمپ بنزین ها شنیدند. به تمامی این بهانه ها و در نهایت به بهانه مردمی که هیچ بهانه ای برای اشتباه خود در انتخاباتشان ندارند این مطلب را می نویسم.

اشتباه کردیم

این دو کلمه نهایت ترجمه مکنونات قلبی خودم است، این دو کلمه خلاصه مطلبی است که قصد نوشتن آن را دارم، البته خلاصه جملاتی هم هست که سلبریتی ها در جریان اعتراضات اخیر برای مردم غیور و انقلابی این سرزمین بیان داشتند. سلبریتی یعنی فردی که در زمینه شغلی خود بسیار مشهور و تاثیر گذار است.

خب این حجم از تاثیر گذاری زمانی که به صورتی هدفدار مورد استفاده قرار بگیرد، می تواند تبعات فاجعه بار، مخرب و یا اصلاح کننده و صحیح داشته باشد، یعنی زمانی که مردم به یک فرد یا افراد خاصی علاقه می ورزند، نظرات ایشان را در فضای مجازی و حقیقی دنبال کرده و حتی به شکل سلبریتی مورد علاقه خود لباس پوشیده و مدل موی خود را درست می کنند، آن فرد مورد نظر دارای قدرت اجتماعی و حمایت سرمایه انسانی بهره می برد و توانایی هدایت جماعت طرفدار خود را دارد.

حال اگر مردم با توجه به این علاقه وافر که نتیجه این علاقه داشتن، اعتماد به این افراد است، در زمینه ای بسیار مهم و تاثیر

گذار مثل انتخابات به جای بررسی کاندید ها، پرس جو و تحقیق در مورد انتخاب اینده خود، صرفاً به نظر این سلبریتی ها کفایت کرده و در نزد خود بگویند: چون فلان بازیگر از فلان کاندیدا حمایت کرده خب حتماً فلانی فرد صالح و خوبی است و توانایی رسیدگی به وظایف محوله خود را دارد، فاجعه ای که اکنون دچار آنیم دوباره و دوباره دچار می شویم.

همانگونه که همه مردم ما شاهد هستند اکثر سلبریتی های بخش سینما و موسیقی کشور که در بین مردم از احترام، مقبولیت قابل توجهی برخوردارند در زمان انتخابات سال ۱۳۹۲ از رییس جمهور فعلی کشور دفاع کردند، که البته

نیز به امید یک روز بهتر و با علم به اینکه حمایت علنی ایشان باعث تغییر نظر مردم می شود، اقدام به طرفداری از رئیس دولت تدبیر و امید (در حالی که می خندد) می نویسند و شد آنچه نباید می شد. اما با گذشت زمان وقتی دیدند که تمامی شعار ها و وعده ها صرفاً در حد شعار و وعده باقی ماند یکی پس از دیگری به منتقد دولت تبدیل شده و اکنون کار به جای رسیده است که نه تنها به انتقاد شدید می پردازند که حتی برخی نیز از مردم به خاطر حمایت اشتباه خود در سال ۱۳۹۲ از مردم عذر خواهی کرده و طلب حلالیت می کنند.

اکنون که کار از کار گذشته است شاید این ابراز

پشیمانی فایده ای نداشته باشد ولی حداقل این نوید را به ما می دهد که در ایشان هنوز مقداری انصاف مانده که اگر کار اشتباهی انجام دادند، از عمل خود ابراز پشیمانی کرده و طلب حلالیت کنند.

ای کاش سلبریتی هایمان از این به بعد قبل از اینکه بخواهند از کسی طرفداری کنند، به یاد تصمیم اشتباه سال ۹۲ خویش بیوفتند، و مقداری با تامل بیشتر به انتخاب خویش پرداخته و حتی الامکان با توجه به اعتماد و تاثیر پذیری مردم از ایشان نسبت به علنی کردن کاندیدای مورد نظر خود بیشتر صبر و تفکر کنند.

البته مردم نیز یاد بگیرند هر فرد مشهوری انسان فهمیده و درست کاری نیست و انتخاب سکان داران میهن خویش را به تحقیق و جستجوی خویش منوط کند نه اظهار نظر یک بازیگر یا کارگردان.

البته اکنون که صحبت از حمایت همه جانبه سلبریتی ها از دولت تدبیر و امید (همچنان در حین نوشتن این ۳ کلمه می خندد) شد، بهتر است از مسبب نفرت اکثریت اهالی شهرت از دولت قبل، و پناه بردن به دولت شیخ پرزیدنت دکتر حجت الاسلام هم یادی کنیم، سلام رئیس جمهور بی تکرار.

در پایان این متن توجه شما را به دو اظهار نظر که اخیراً منتشر شده است جلب می کنم.

امیر مهدی ژوله: حالا که اینقدر حالمان بد است میگویم که اگر کسی، کسی را نمیشناخته و به واسطه دوتا و نصفی پست و استوری من شناخته یا رایش را به اعتباری که برای من قائل بوده عوض کرده، من عذر خواهی و طلب حلالیت میکنم از اینکه شما را دعوت به هندوانه در بسته ای کردم که مثل شما امید به سرخی و شیرینی اش داشتم.

پرویز پرستویی: در این شرایط که مردم با گرانی های مختلف دست و پنجه نرم می کنند و با سبلی هم نمی تونن صورتشون رو سرخ نگه دارن گرون کردن بنزین قرار چه مشکلی رو حل کنه؟



اشتباه کردیم
این دو کلمه
نهایت
ترجمه
مکنونات
قلبی خودم
است.



سیدسجاد هاشمی
دانشجوی الهیات ۹۵

حاج قاسم

شهید سردار قاسم سلیمانی یکی از محبوب ترین چهره های انقلاب اسلامی و نماد مبارزه با نظام سلطه و ظلم جهانی شناخته می شود. این شهید والامقام هرگز فکری جز حرکت برای عزت اسلام و مظلومان جهان در سر نداشت و زندگی خود را صرف مبارزه با ظالمان کرد. او همواره نگاهش را به افق نگاه مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی دوخته بود.

این نوشتار به تشریح جنبه های مبارزاتی و اخلاقی رفتاری شهید بزرگوار سردار قاسم سلیمانی در سال های اخیر می پردازد.

« در میان مومنان مردانی هستند که بر سر عهده ای که با خدا بستند صادقانه ایستادند و بعضی پیمان خود را به آخر بردند و در راه او شربت شهادت نوشیدند و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندارند.»

سردار قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۹ خورشیدی از طرف آیت الله خامنه ای مقام معظم رهبری به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. شهید قاسم سلیمانی نقشی کلیدی در خاورمیانه به ویژه ناآرامی های منطقه ایفا کرد و تا پیش از انتصاب به فرماندهی سپاه قدس با باندهای قاچاق مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان می جنگید و فعالیت های او در زمینه های مختلفی چون مبارزه با طالبان و هشت سال جنگ تحمیلی و جنگ داخلی کردستان سبب اندوختن تجربه های بی نظیری شد.

سردار شهید قاسم سلیمانی در سال های جنگ ایران باعراق از فرماندهان عملیات های والفجر ۸ کربلای ۴ و ۵ بود و نقش مهمی در تقویت قدرت نظامی حزب الله لبنان در جنگ افغانستان و سرنگونی دولت بعث صدام حسین داشت. همچنین نقش پررنگی در مقابل با داعش در عراق ایفا کرده بود ژنرال سلیمانی تا پیش از حضور آشکار در جنگ علیه داعش در عراق از حضور در انتظار عمومی پرهیز می کرد اما از زمان حضورش در عراق در نبرد علیه داعش یا انتشار تصاویر متعددش با نیروهای عراقی محبوبیتش در کشور اوج گرفت.

شهید سردار قاسم سلیمانی یکی از محبوب ترین چهره های انقلاب اسلامی و نماد مبارزه با نظام سلطه و ظلم جهانی شناخته می شود. این شهید والامقام هرگز فکری جز حرکت برای عزت اسلام و مظلومان جهان در سر نداشت و زندگی خود را صرف مبارزه با ظالمان کرد. او همواره نگاهش را به افق نگاه مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی دوخته بود.

این نوشتار به تشریح جنبه های مبارزاتی و اخلاقی رفتاری شهید بزرگوار سردار قاسم سلیمانی در سال های اخیر می پردازد.

« در میان مومنان مردانی هستند که بر سر عهده ای که با خدا بستند صادقانه ایستادند و بعضی پیمان خود را به آخر بردند و در راه او شربت شهادت نوشیدند و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندارند.»

سردار قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۹ خورشیدی از طرف آیت الله خامنه ای مقام معظم رهبری به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. شهید قاسم سلیمانی نقشی کلیدی در خاورمیانه به ویژه ناآرامی های منطقه ایفا کرد و تا پیش از انتصاب به فرماندهی سپاه قدس با باندهای قاچاق مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان می جنگید و فعالیت های او در زمینه های مختلفی چون مبارزه با طالبان و هشت سال جنگ تحمیلی و جنگ داخلی کردستان سبب اندوختن تجربه های بی نظیری شد.

سردار شهید قاسم سلیمانی در سال های جنگ ایران باعراق از فرماندهان عملیات های والفجر ۸ کربلای ۴ و ۵ بود و نقش مهمی در تقویت قدرت نظامی حزب الله لبنان در جنگ افغانستان و سرنگونی دولت بعث صدام حسین داشت. همچنین نقش پررنگی در مقابل با داعش در عراق ایفا کرده بود ژنرال سلیمانی تا پیش از حضور آشکار در جنگ علیه داعش در عراق از حضور در انتظار عمومی پرهیز می کرد اما از زمان حضورش در عراق در نبرد علیه داعش یا انتشار تصاویر متعددش با نیروهای عراقی محبوبیتش در کشور اوج گرفت.

او بعدها گفته بود: «عمق نفوذی که هم اکنون ایران در منطقه دارد در هیچ دورانی وجود نداشته است.»

این سخن در پاسخ به کسانی گفته شده بود که به قول سردار سلیمانی می خواستند: به غلط به مردم بقبولانند که سپاه منزوی است. او در پاسخ گفته بود: اگر ما منزوی هستیم پس چرا دشمن می خواهد با ما پیمان ببندد و رابطه داشته باشد؟



سردار سلیمانی در سخنرانی اخیر خود، زمانی که آخرین پایگاه در شرق سوریه را از دست داعش آزاد کرده بود اعلام کرد که سعی در نابودی این شجره خبیثه تا کمتر از دو ماه دیگر دارد.

زمانی که آخرین پایگاه در شرق سوریه که در دست داعش بود، به دست سربازان اسلام آزاد شد.

رهبری نیز در بیانیه آقای سلیمانی او را سردار پرافتخار اسلام نامید.

همزمان با این پیروزی رئیس سازمان سیا مایک پمپئو در نامه ای که از طریق یکی از رابطه آن، خود به سردار سلیمانی رسانده بود.

آمریکا هشدار داده بود که سردار سلیمانی را مسئول هر گونه حمله به منافع آمریکا در خاک عراق می داند. ژنرال سلیمانی نیز بدون باز کردن نامه در پاسخ گفته بود: نه نامه را می گیرم و نه می خوانم و اصلاً با این افراد صحبتی ندارم.

در پی خروج ایالات متحده از توافق هسته ای برجام رئیس جمهور روحانی در دیدار با ایرانیان مقیم سوئیس در برن گفت: ادعای آمریکا که می خواهد به طور کامل جلوی صادرات نفت ایران را بگیرد معنی ندارد و ناپخته است. اگر آنها می توانند این کار را بکنند تا نتیجه اش را ببینند. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از اظهارات روحانی تقدیر کرده و ابراز قدردانی نمود.

سردار در نامه ای در ۱۳ تیر خطاب به رئیس جمهور گفت: آنچه از فرمایشات جناب عالی در رسانه ها منعکس شد مبنی بر اینکه اگر نفت کشورمان صادر نشود تضمینی برای صدور نفت کل منطقه نمی باشد. بیانات بسیار ارزشمندی است و موضع شما نسبت به رژیم صهیونیستی نیز مایه مباهات و افتخار است. در پاسخ ترامپ نیز در بیانات خود گفته بود: ما را تهدید نکنید وگرنه بلایی تاریخی بر سر شما خواهیم آورد. فرمانده شاخه برون مرزی سپاه پاسداران با موضع گیری محکم او را قمارباز و کاباره چی خوانده و در ادامه گفته بود: من حریف تو هستم! نیروی قدس حریف شماست!

سردار شهید در ادامه سخنانش خاطرنشان می کند: آغاز جنگ با شماست اما پایان با ماست. همزمان با بدعهدی آمریکایی ها و نقض حقوق ایران در برنامه جامع مشترک (برجام) دولت حسن روحانی به شدت زیر سوال رفته بود.

روحانی که تمام برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را در دیپلماسی با غربی‌ها با هدف رفع تحریم می‌دید حالا به جای موفقیت و رهایی از قول تحریم‌ها شکست سختی را نیز تجربه می‌کرد.

سردار دلها به دفاع تمام‌قد از او پرداخته و نشان داد، بیش از پیش در کنار دولت خواهد ایستاد.

شهید سلیمانی با تاکید بر این نکته که «با برجام‌های چند گانه می‌خواهند ریشه جریان‌های اسلامی خشکانده شود».

از دیپلماسی دولت انتقاد کرده و به آن تاخت همزمان با این جریان‌ات دیپلماسی موفق سپاه در مورد مسائل برون مرزی و توانایی فرمانده برون مرزی سپاه حاج قاسم سلیمانی، مقام معظم رهبری پر افتخار ترین نشان نظامی ایران، یعنی نشان ذوالفقار را به سردار شهید اعطا کردند.

سردار سلیمانی پیش از این نشان نظامی فتح را نیز دریافت کرده بود.

با آغاز سال ۹۷ و وقوع سیل در مناطق جنوبی ایران، سردار سلیمانی به همراه فرمانده میدانی حشد الشعبی برای دومین بار به خوزستان رفت.

سپاه هدف این کار را امدادرسانی و ساخت و ترمیم مساجد و مدارس و تأمین کالاهای اساسی عنوان کرد. سردار سلیمانی در پیامی در صفحه اینستاگرام خود خطاب به مدافعان حرم گفت: حادثه اخیر یک دفاع از حرم است.

همزمان با اعلام قدرت‌گیری مضاعف تحریم‌ها علیه ایران، و واکنش توسط سخنگوی وزارت خارجه آمریکا برایان هوک، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در سخنرانی ۹ اردیبهشت در کنار جمعی از فرماندهان ناجا گفت: «دشمن قصد دارد با فشارهای اقتصادی جمهوری اسلامی را به میز مذاکره بکشاند چنین مذاکراتی تسلیم محض است و ما تن به این ذلت نمیدهیم».

چندی بعد در صفحه توئیتر منتسب به شهید سلیمانی خبری منتشر شد که: نا امن سازی جزء ذات آمریکاست و شما پیدا نمی‌کنید آمریکا در جایی وارد شده باشد و با وجود قدرتش امنیت ایجاد کرده باشد.

در سخنرانی‌هایی که رهبر معظم انقلاب به عنوان تکیه بر توان داخلی و رونق تولید اذعان می‌فرمودند، خط مشی‌های مشخصی را برای رسیدن به اقتدار ملی و نرفتن زیر بار زور استکبار معین می‌فرمودند.

سردار سلیمانی نیز با تاکید بر این نکته که تحریم‌ها فرصت است با حضور در مراسم کلنگ زنی کارخانه‌های فرآوری گیاهان دارویی گفت: اگرچه تحریم‌ها در کوتاه



دلبستان مقاومت خون‌نواهان سلیمانی آسمانی

شهید سلیمانی چهره‌سینمایی
مقاومت است و همه
دلبستان مقاومت نونواهان
عزیزها
۹۸،۱۰،۱۳

مدت دشواری‌های را خواهد داشت ولی در حقیقت این فرصتی است که بتوانیم به لطف خدا کشور را از وابستگی به نفت رهایی بخشیم.

حاج قاسم قصه ما همواره بر پاسداشت مواضع رهبر خود تاکید داشت. این موضوع زمانی انتشار بیشتری یافت که در مراسم عزاداری در بیت رهبری در کنار مقتدا صدر رهبر روحانیون و شیعیان عراق دیده شد.

طرح ترور سردار سلیمانی اولین بار توسط روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز بیان شد.

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در تاریخ ۱۲ نوامبر ۲۰۱۸ برای اولین بار، طرح مقام‌های عربستان درباره ترور قاسم سلیمانی خبر داد. این خبر همزمان با قدرت‌گیری محمد بن سلمان ولیعهد عربستان و قتل فجیع جمال خاشقچی روزنامه‌نگار منتقد عرب در کشور ترکیه در جریان بود.

پس از آن انتشار خبری مبنی بر برنامه ترور حاج قاسم سلیمانی در کرمان خبرساز شد. سپاه بیان داشت سرویس‌های امنیتی خارجی برنامه ریزی چند ساله خود را برای ترور سردار سلیمانی عملیاتی کردند تا بتوانند وی را در داخل کشور در استان کرمان هدف قرار دهند.

به گفته سپاه پاسداران سرویس‌های عبری عربی به دنبال اجرای این طرح بودند. فارغ از جنبه‌های سیاسی و نظامی شهید سلیمانی شاید بتوان گفت دلیل علاقه و محبوبیت عمومی و مردمی او به دو دلیل عمده است:

اول اینکه شهید سلیمانی هیچ‌گاه در جهت منافع شخصی حرکت نکرد و از قدرت خود سوء استفاده ننمود. همواره علاقمند بود تا از او به عنوان یک سرباز صفر ولایت یاد شود تا عناوین با مسمی دیگر. دوم آنکه ژنرال سلیمانی همواره مرد عرصه‌های عمل بوده تا سخن. او کمتر در رسانه‌ها ظاهر می‌شد و اصولاً در عملیات خود را نشان می‌داد. گفتنی است آخرین تصاویر منتشر شده از شهید سلیمانی مربوط به مستند در میانه آتش از دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای بارگذاری شد.

او در این مستند در مورد جنگ ۲۳ روزه حزب الله لبنان با اسرائیل و جزئیات فعالیت‌های عماد مغنیه سخن می‌گفت.

جهاد او جهاد بزرگی بود و خداوند نیز شهادت او را شهادت بزرگی قرار داد. این نعمت عظیم که شایسته ایشان بود گوارا باشد. حاج قاسم باید همین جور به شهادت می‌رسید.

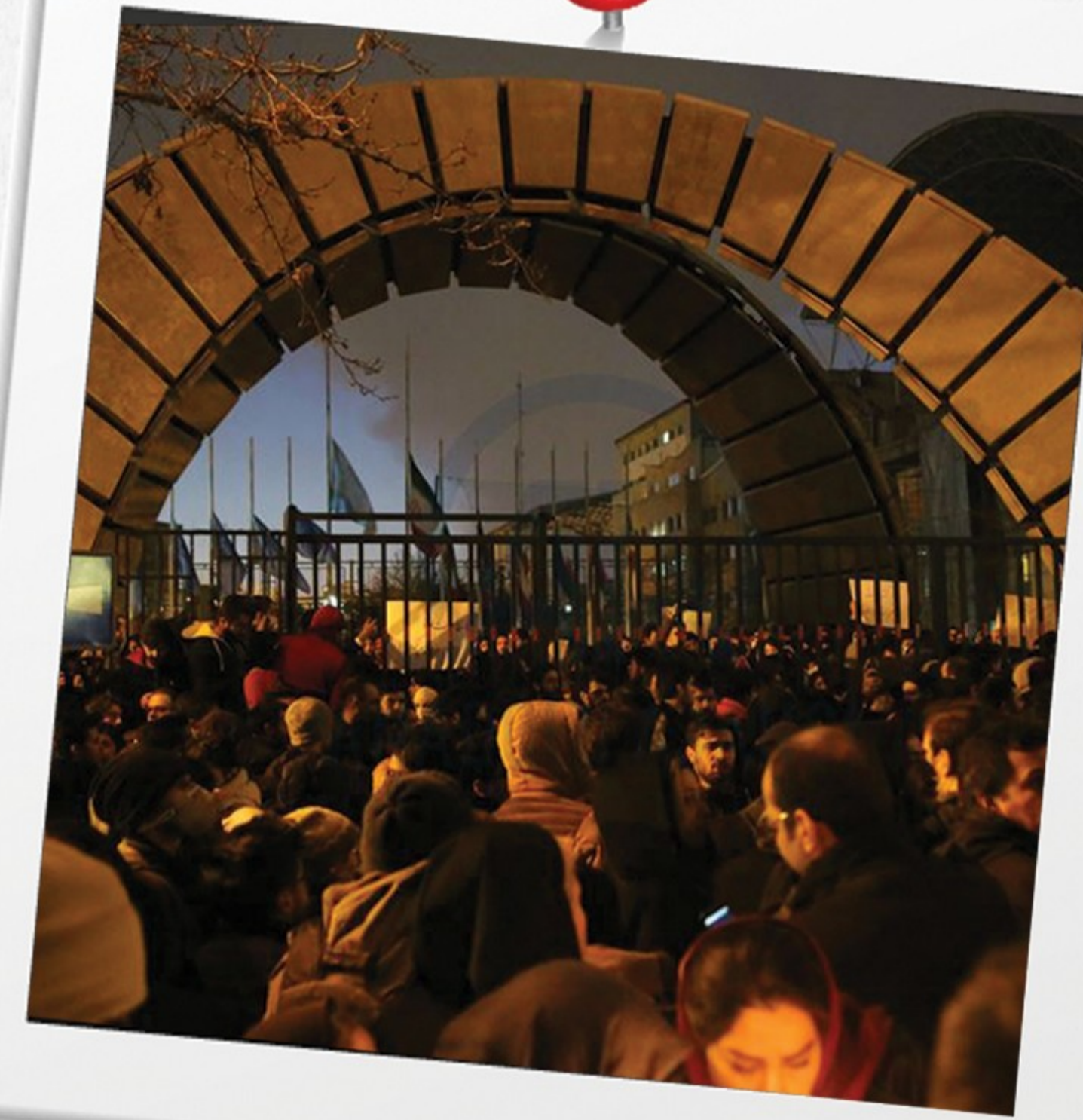
(مقام معظم رهبری ۱۳ دی ۱۳۹۸)

رضا معراج
خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران

روایت کوفه کوچک

روایت کوفه کوچک
سلسله اخبار کوتاهیست
از اتفاقات تجمعات
دانشگاه امیرکبیر و شریف
در تاریخ ۲۱ دی که به
درگیری و هتک حرمت
رهبری و تمثال حاج
قاسم منتهی شد. این
روایت توسط یک
دانشجویی خبرنگار که در
کف میدان حضور داشت
تهیه و نوشته شد.

روایت کوفه کوچک ۱
امروز با توجه به اتفاق سرنگونی هواپیما و بیانیه صبح
ستاد کل نیروهای مسلح مبنی بر اینکه پدافند سپاه
شلیک کرده؛ شش تا از تشکل های دانشجویی که
گرایش چپ دارند اعلام تجمع و گرفتن مراسم یادبود
برای دانشجویهای جانباخته کردند. نکته جالب این اعلام
تجمع ها این بود که همه راس یک ساعت خاص و در
نقاط مختلف شمال مرکز و شرق و غرب تهران بود که
یک ساعت مانده به تجمع محل قرار به دو نقطه سر در
دانشگاه امیرکبیر و شریف ختم شد.



روایت کوفه کوچک ۲
ساعت ۵ بعد از ظهر بود که به محل تجمع رسیدم. در
ابتدای این تجمع کنار تقاطع حافظ و سمیه شمع های
همراه با عکس جانباختگان حادثه هواپیمای روشن کرده
بودند و جمعیت به دو دسته دانشجوی های داخل دانشگاه
جمعیت بیرون تقسیم شدند. که جمعیت بیرون رفته
رفته از سمت انقلاب و طالقانی خودشان را به سردر
دانشگاه رساندند و رفته رفته شعارها جهت دار ش،
(مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر سپاهی، ننگ ما ننگ ما
سپاه بی درد ما و...) دانشجویها مردم را با شعار جو زده
می کردند که در دانش را شکانده و داخل دانشگاه بروند؛
چند بار هم سعی کردند که در را بشکنند ولی خوب
افرادی آنها را جدا کردند.



۱۴ | گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

روایت کوفه کوچک ۳

جمعیت رفته رفته بیشتر شد. دانشجویها با شعار
(بیا تو، بیا تو) جمعیت بیرون را تحریک می کردند
که در دانشگاه امیرکبیر را بشکنند. نمی توانم از روی
ظاهر قضاوت کنم دانشجوی بودند یا نه اما به نظرم
ظاهر متحدالشکل آدمها با لباس سبک، شال و
ماسک برای پوشاندن صورت و کیف های کوچک و
سبکی که می شود به سبک پستیچی به روی شانه
انداخت؛ نشان می داد این جماعت از داخل دانشگاه
نیامده بودند.



روایت کوفه کوچک ۵
ساعت ۱۸ و ۲۰ دقیقه که هماهنگی جمعیت بیرون و داخل دانشگاه
جواب داد و در دانشگاه شکسته شد عده ای داخل دانشگاه رفتند و
عده ای هم به بیرون آمدند؛ خودشان هم نمی دانستند می خواهند
چه کار کنند. شعارها علیه رهبری و سپاه تند و توهین آمیز بود.
دانشجو ها بیرون نمی آمدند و مردم هم همانجا با شمع روشن در
دست ایستاده بودند. و شعر یار دبستانی من را می خواندند. ولی
دوباره هماهنگی به هم خورد و هر دست شعار خود را می داد عده
ای هم به سمت تقاطع حافظ انقلاب حرکت کردند، که از همان
سمت نیروی انتظامی ورود کرد و عده ای از فرصت استفاده کردند و
داخل دانشگاه شدند.

روایت کوفه کوچک ۴

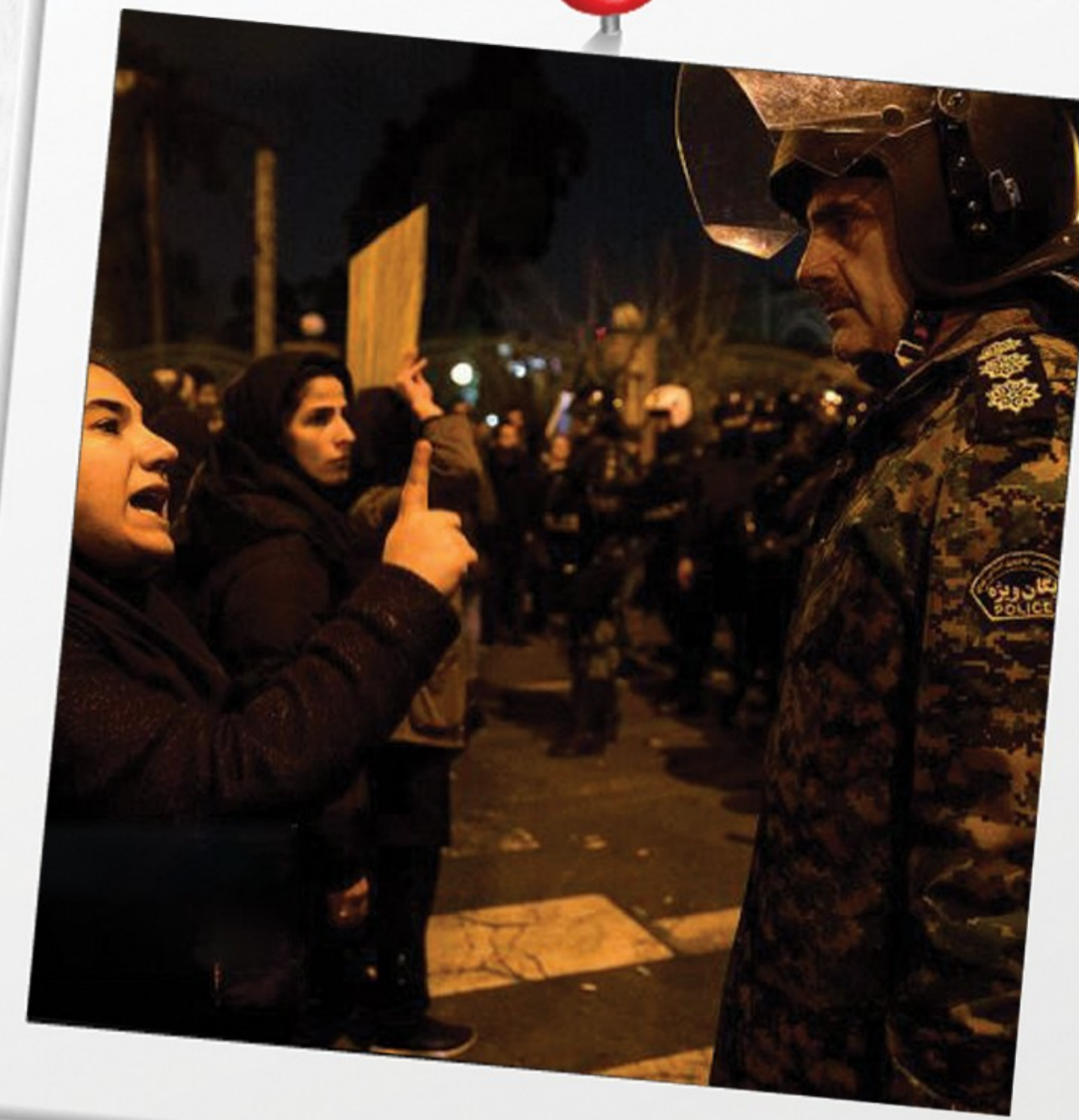
پیرزن ها و خانم های پا به سن گذاشته بین
جماعت کم نبودند که با کتونی و کیف های
کوچک پا به پای بقیه شعار می دادند و به اتفاق
فیلمبرداری هم می کردند. شعارها از عزا عزاست
امروز و مسئول بی کفایت استعفا استعفا شیفت
کرد روی شعار های رادیکال و فحاشی علیه
رهبری. این تجمع هیچ شباهتی به تجمع
همدردی نداشت، شعارهای تند علیه رهبری چند
بار توسط چند لیبر مطرح شد اما نمی گرفت و
جماعت همراهی نمی کرد در نهایت آن قدر هسته
مرکزی تکرار کردند که جماعت هم با آن ها
همراه شد و جمعیت بیرون و داخل دانشگاه
هماهنگ شدند.





روایت کوفه کوچک ۶

با ورود نیروی انتظامی و یگان ویژه که اولش با ملاحظت و خواهش های مکرر فرمانده میدان سعی داشت جمع را متفرق کنند؛ ولی با فحاشی روبرو شد. در نهایت با پرتاب گاز اشکآور و ایجاد رعب جمع را متفرق کردند هنوز تعداد اندکی اطراف پل حافظ پراکنده ایستاده بودند و تماشا می کردند. معترضین متفرق شدند، عده ای توی دانشگاه ماندند و عده ای از توی خیابان سمیه و عده ای هم به سمت خیابان طالقانی رفتند ولی این تمام ماجرا نبود.



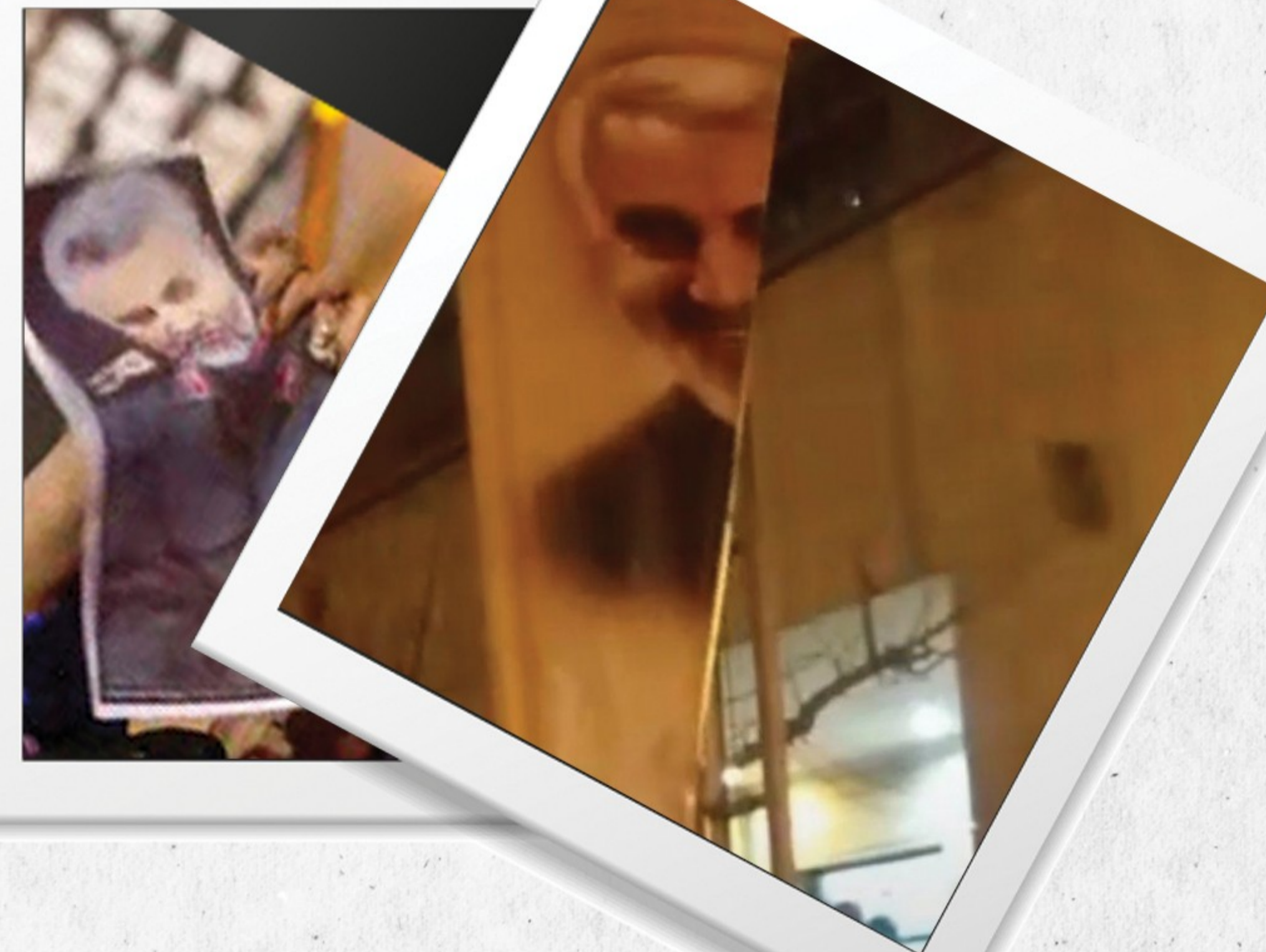
روایت کوفه کوچک ۸

ارتباط دانشجویان معترض که جمعیت بیرون را به اغتشاش و شکاندن در دانشگاه دعوت می کردند قطع شد. ولی همچنان شعارها و فحاشی های تند و رادیکال علیه رهبری و سپاه بود. ولی دیگر دانشجویان دستشان به جایی نمی رسید. معترضین که دیگر جای خود را به اغتشاشگران داده بودند؛ پس از متفرق شدن دوباره به تقاطع سمیه و حافظ برگشتند ولی این بار قضیه فرق می کرد. سطل زباله را برای آتش زدن به وسط خیابان بردند ولی موفق نشدند ولی با شعار بی شرف بی شرف به نیروی انتظامی حمله ور می شدند و هو می کردند.



روایت کوفه کوچک ۹

کف و سوت و فحاشی و شعارهای جمعیت معترض که دیگر می شد اسمشان را اغتشاشگر گذاشت تمامی نداشت و در صدد شکستن دیوار زنجیره انسانی نیروی انتظامی بودند تا بتوانند فضا را راحت تر به هم بریزند.



روایت کوفه کوچک ۷

جمعیت معترض بیرون از هم پاشیده بود. عده ای در خیابان سمیه با ایجاد دیوار انسانی دیو شده بودند و عده ای تقاطع حافظ طالقانی. دانشجویان هم که داخل دانشگاه مانده بودند و جرات بیرون آمدن نداشتند ولی الظاهر فحاشی به رهبر و سپاه تمامی نداشت. تجمعی که به بهانه یادبود جانباختگان سانحه هوایی برگزار شد ولی اغتشاش شد. نیروی انتظامی با ایجاد دیوار انسانی در تقاطع طالقانی و حافظ و در دانشگاه ارتباط را قطع کرده بود و با شلیک گاز اشکآور سعی در متفرق کردن داشت ولی خوب سنگ و اشغال به سمت پلیس پرتاب می شد.



روایت کوفه کوچک ۱۰

اما این تمام ماجرا نبود افرادی که با اسم سانحه هوایی و جانباختگان جمع شده بودند، به جای تجمع درست با فحاشی و شعارهای تند علیه رهبر و سپاه دست به کارهایی زدند که اغلب مردم را به درد می آورد. اغتشاشگران به بنرها و بیلبورد حوزه هنری (تقاطع سمیه و حافظ) که عکس سردار حاج قاسم قهرمان ملی کشورمان نصب بود و از مراسم تدفینش بیش از پنج روز نمی گذرد، رحم نکردند عکس حاج قاسم را پاره کردند.





محمد کاملی
دانشجوی علوم تربیتی ۹۷

چهل‌م پدر یک خانواده

روز سیزدهم دی ماه سال ۱۳۹۸، حاج قاسم سلیمانی دنیا را به مقصد آخرت ترک کرد. این هجرتش را بر او تبریک می‌گوییم! چرا که به مقام رفیع شهادت نازل گردید. با این غیور مرد بزرگ وداع می‌کنیم اما با پاورهایش نه؛ با اعتقاداتش نه؛ با آیینی که در پیش گرفته بود نه. نابودی دشمن حتمی است! چه حاج قاسم باشد چه نباشد، دشمن نمی‌تواند به خاک وطن دست درازی کند

می‌خواهم برایتان داستانی بگویم. داستانی از یک بزرگ مرد؛ بزرگ مردی که زمانی که به شهادت رسید، خبر شهادتش همه را بر آشفته. داستان این است که گویی همه ی مردم عزیزی را از دست داده بودند. عزیزی که نزدیک تر از همه کشتان بود. آن مرد با رفتنش، ایران را به سوگ نشاند. آن مرد، شهید سپهبد قاسم سلیمانی است.

می‌خواهم از پدر خانواده ای برایتان حرف بزنم که غیرتش هیچوقت اجازه نمی‌داد که بر خانواده اش ظلمی برسد یا خانواده اش دچار ذلت شود. این خانواده، جمعیتش بیش از هشتاد میلیون است و پدر این خانواده، سپهبد حاج قاسم سلیمانی بود که جانش را برای آن خانواده داد

جسمش را فدا کرد، اما روحش را نه؛ همان که از ترس هیبتش، دشمن به او در دل سیاهی شب حمله کرد. آری جرات می‌خواهد که رو در رو مقابل سردار بزرگ ایران بایستی. دشمن آنقدر حقیر بود که تو را در آن موقع به شهادت رساند. اما نگران نباش؛ جسم تو از ایران گرفته شده و روح تو برای همیشه در کنار آن خواهد ماند. جسم تو از

ایرانیان گرفته شده، اما یاد تو برای همیشه با آنها خواهد ماند آنقدر از وجود تو می‌ترسیدند که در دل سیاهی شب آن هم نه از راه زمین، بلکه آسمان تو را پر کردند. این را بدان در ایران غیور مردانی به مانند تو زیاد هستند. تفکر سردار سلیمانی هر روز در دل و ذهن مردم زاده می‌شود و این دشمن خونخوار باید بداند که با هر باز کشتن یک سردار سلیمانی، صدها سردار سلیمانی دیگر متولد خواهند شد

جسمت از ایران گرفته شد، اما روحت برای همیشه پاسدار ایران و ایرانی خواهد بود. تو می‌توانستی فرماندهی کنی، تو می‌توانستی خود در پشت جبهه ی جنگ بایستی و سربازانت را به مصاف با دشمن بفرستی؛ اما غیرتت به تو این اجازه را نمی‌داد. غیرتی که قاسم سلیمانی را تبدیل به شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی کرد. همان

غیرت باعث شد که مردم این چنین تو را دوست بدارند؛ همان غیرت باعث شد که مردم در فراق از دست دادنت خون بگریند

تنها به این امید که روزی ما دوباره تو را ملاقات می‌کنیم، توانسته ایم با غمت کنار بیاییم. اما به ما بگو که ما هم می‌توانیم مثل تو آزاده باشیم؟ ما هم می‌توانیم مثل تو بهشتی شویم که در آخرت تو را ملاقات کنیم؟ به راستی سردار، ما باید چگونه زندگی کنیم که در آخرت از نعمت وجود تو در کنارمان بهره ببریم؟ تو یکی از پاک ترین انسان هایی بودی که خداوند تو را از ما ستاند. شهادتت بد ضربه ای بود که به قلب مان وارد گشت. چهل روز دردی که از این ضربه به وجود آمده در وجودمان ریشه کرده؛ گویی که این درد هرگز نمی‌خواهد ما را رها کند



مهدی احمدی قوهکی
دانشجوی علوم تربیتی ۹۷

درس مبارزه

سلام حاج قاسم،
ما از تو درس مبارزه با ظالمان را یاد گرفتیم
نه فقط مبارزه با کسانی که به کشور ما و ما ظلم کرده اند
بلکه هر جا صدای هر مظلومی را شنیدی به یاری اش شتافتی
چرا که عاشق آرامش بودی اما نه آرامش برای خود بلکه برای هموعان خود
تو عاشق خدمت بی منت بودی
برای رضای خدا
برای همین عزت مند شدی



مهدی علیخانی
دانشجوی ابتدایی ۹۸

تمایز و همپوشانی آسیب‌های اجتماعی

مقدمه

مسئله مربوط به آسیبهای اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندیها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواستها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه‌دار

فساد، عصیان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی و دیگر آسیبها شده است. هر چند اکثر مشکلات اجتماعی انواعی تکراری در طول نسلهای مختلف هستند، اما چنانکه مشاهده می‌شود برخی از این انواع در برخی نسلها اهمیت بیشتری پیدا کرده است و حتی برخی انواع این آسیبها در نسلهای بعدی زاده شده‌اند. از سوی دیگر از آنجایی که یکسری علل غالب در هر جامعه وجود دارند که نسبت به سایر علل اهمیت بیشتری در بروز آسیبها دارند، هر چند از انواع متمایز آسیبها سخن می‌رود، اما عمدتاً همپوشی‌هایی بین آنها دیده می‌شود.

سرقت و دزدی بطور کلی سرقت و دزدی هم از لحاظ عرفی و هم از لحاظ قانونی به عنوان یک آسیب جدی محسوب می‌شوند. هر چند عوامل متعددی در بروز این مشکل شناخته شده‌اند، مثل فقر و بیکاری، اعتیاد و شیوه‌های تربیتی، اما باید توجه داشت مبانی شخصیت اهمیت ویژه در ارتکاب دزدی دارند. این افراد معمولاً از لحاظ رشد اخلاقی در سطح خیلی پایین و ضعیف هستند و بطور کلی ثبات و استواری و قدرت تحلیل و تفکر درباره پیامدهای رفتار خود را به قدر کافی ندارند. در مباحث مربوط به علل دزدی به علل تربیتی تأکید فراوان می‌شود.

خودکشی هر چند در وهله اول یک مشکل فردی به شمار می‌رود ولی از آنجایی که فرد در اجتماع زندگی می‌کند و تأثیرات متقابلی همواره بین آنها برقرار است، به عنوان یک معضل اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آمار خودکشی معمولاً با سایر جرایم و آسیبها ارتباط پیدا می‌کند، بطوری که در میان گروههای مبتلا به اعتیاد خودکشی بیشتر دیده می‌شود. همچنین در آسیبهای مربوط به انحرافات جسمانی بویژه در میان قربانیان این انحرافات خودکشی پدیده شایعی است. در میان بیماران روانی بویژه افسردگی‌های شدید نیز اغلب خودکشی مسأله قابل توجهی است. به هر حال خودکشی پیوندهایی با متغیرهای اجتماعی دارد بطوری که علاوه بر

تأثیری که از شرایط اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهاجرت مهاجرت علاوه بر مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که دارد مستلزم تغییراتی خاص است که مطابقت و سازگاری با آنها اغلب مشکلاتی را برای فرد و جامعه ایجاد می‌کند. به عبارتی علاوه بر اینکه مهاجرت در برنامه ریزیهای کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مشکلاتی را ایجاد می‌کند، مثل مهاجرت روستاییان به شهرها که خالی شدن روستاها از سکنه، کاهش کشاورزی، افزایش مشاغل کاذب و... را به دنبال دارد موجب می‌شود، تا فرد برای سازگاری با تغییرات حاصل فشار زیادی را متحمل شود. شوک فرهنگی یکی از عوارض حاصل از مهاجرت است که با اضطراب و افسردگی، احساس جدا شدن و مسخ واقعیت و مسخ شخصیت مشخص است.

بی خانمانی منابع فزاینده‌ای وجود مسائل ویژه‌ای را در افراد بی خانمان تأیید می‌کنند. چنین کسانی ممکن است در خیابانها سرگردان باشند یا به علل برخی بزهکاریهای دیگر که معمولاً توأم با بی خانمانی آنهاست مثل دزدی، اعتیاد و... در زندانها یا کانونهای اصلاح و تربیت بسر برند. در بین افراد بی خانمان دسته‌های مختلفی از افراد دیده می‌شود، یک دسته شامل بیماران روانی شدید هستند که اغلب یا مدتهاست از خانواده خود دورند یا بطور موقتی از خانه خارج شده‌اند. معتادین گروه دیگری از این افراد را شامل می‌شوند که معمولاً مراحل عمیق اعتیاد خود را می‌گذرانند. کودکان خیابانی و دختران و زنانی که با بی خانمانی به انحرافات جنسی نیز مبتلا هستند دو دسته دیگر را در بین افراد بی خانمان تشکیل می‌دهند.

فقر فقر در واقع مادر تمام آسیبهای اجتماعی است. فقر با بسیاری مسائل زیر پا از جمله ضعف تندرستی و افزایش مرگ و میر، بیماری روانی، شکست تحصیلی، جرم و مصرف دارو رابطه دارد. هر چند خود فقر بطور ذاتی یک مشکل و آسیب است، اما این لزوماً به این معناست که تمام افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، افرادی نابسامان و مشکل ساز برای اجتماع هستند. مشکلات اقتصادی، عدم تأمین نیازهای جسمی و روانی اغلب زمینه‌ای برای بروز و ظهور مشکلات اجتماعی دیگری است.

فقر در واقع مادر تمام آسیب‌های اجتماعی است. عدم تأمین نیازهای جسمی و روانی اغلب زمینه‌ای برای بروز مشکلات اجتماعی دیگری است.

بیکاری بیکاری معضل اجتماعی دیگری است که هم آسیبهای جدی فردی و هم آسیبهای قابل ملاحظه اجتماعی را در دامن دارد. بیکاری بویژه در نسل پر انرژی و جوان که انرژی و قدرت و نیروهای آنها را کد و بی‌مصرف باقی می‌ماند نمود بیشتری پیدا می‌کند و زمینه را برای انواع انحرافات اجتماعی فراهم می‌سازد. وجود



فرصتهای همیشه خالی، عدم تحمل بیکاری، فقدان قدرت تأمین نیازها به دلیل نداشتن درآمد، زمینه‌هایی آماده برای کاشت بذر جرم و انحرافات می‌باشند.

فساد اقتصادی توجه به فساد در سه دهه اخیر و در مقیاس جهانی به صورت چشمگیری افزایش یافته است. هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که عاری از هرگونه فساد اقتصادی است. اقتصاد ایران هم سال هاست با این پدیده شوم روبه روست. انحصارات وسیع، سطح پایین کیفیت قوانین و عدم شفافیت گسترده موجب شده است که متاسفانه ایران در زمره کشورهای قرار گیرد که دارای فساد اقتصادی است. این نوع فساد سوء استفاده از اعتماد مردم در جهت منافع شخصی است که معمولاً در قالب رشوه، اختلاس، تقلب، کلاهبرداری و اخاذی ظهور می‌کند.

ازدواج ازدواج در وضعیت کنونی جامعه ایران پدیده ازدواج تحت تأثیر تحولات ساختاری و ارزشی جامعه از یک سو و شرایط بی سازمانی و ناهماهنگی خرده نظام های اجتماعی از سوی دیگر به عنوان یک مسئله اجتماعی نمود یافته است. در خصوص تبدیل شدن ازدواج به یک مسئله اجتماعی جوانان بر این عقیده بودند که عوامل مختلفی مانند مشکل دستیابی جوانان پسر به فرصت های اقتصادی و نداشتن شغل دائم، پیدانکردن فرد مناسب، نابرابری جنسیتی در فرایند ازدواج و... زمینه ساز مسئله ازدواج شده است.



ابوالفضل عظیمی
دانشجوی الهیات ۹۵

از فرصت‌هایی که سوخت تا تجاربی که باید پاس داشت

بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب:

روزگاری سن بیشتر مسئولان جمهوری اسلامی از ۵۰ سال بیشتر نبود و خیلی کم پیش می‌آمد که مدیران مسن پشت میز نشین اداره به خود حرکتی داده و اراده کنند که حرکتی نمایند اتفاقی که در زمان کنونی بسیار شاهد هستیم.

جامه ایران که امروز جامعه‌ی جوانی به شمار می‌رود و یکی از ویژگی‌های مهم هر کشوری جوانگرایی آن است که به شکر خدا ملت ما از این نعمت برخوردار است، این جوانان با توجه به ویژگی‌های جوانی خود می‌توانند مسئولیت‌های سنگینی را نیز قبول کنند و بالاخص در چنین شرایطی وارد عرصه سیاست شوند، اما کم کم بوی ناامیدی به روح و روان جوانان ما نفوذ می‌کند.

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی این بنده ناچیز مایلم با جوانان عزیزم نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارند تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کنند سخن بگویم.

همانطور که متوجه شدید یکی از کلیدواژه‌های بسیار مهم بیانیه گام دوم انقلاب «جوان است» واژه‌ای که دیگر امروز در پشت میزهای اداره‌ها نقش آن کمرنگ شده است و بالعکس در سطح جامعه و بر سر زبان مدیران ما آن هم موقع انتخابات که می‌گویند ما همانند کوه پشت جوانان هستیم پررنگ شده است... واقعاً برای من جای سوال شد که چرا نقش

جوانان در بیانیه گام دوم انقلاب بسیار ضرورت پیدا کرده و مخاطب اصلی این بیانیه جوانان هستند.

دلایل متعددی می‌توان آورد که یکی از آنان ویژگی سنی، آرمان‌گرایی و فعال‌تر بودن آنان نسبت به افراد مسن است که نقش آنان را در بیانیه گام دوم مهم‌تر نشان می‌دهد. بیانیه گام دوم انقلاب اشاره به یک دوره تاریخی جدیدی دارد که محور آن جوانان اند نسلی که در این انقلاب سهم ارزشمند و والایی دارند چرا که این ارث را از پدرانشان

آنهایی که در سال ۵۷ پا به پای رهبر کبیر انقلاب آمدند و جان‌هایشان را در کف دست قرار دادند و بابت آن خون‌بهای بی‌شماری دادند منظورم همان جوانان قدیم است، که به آنها رسیده است. وظیفه این نسل درقبال شکر گذاری این نعمت الهی سر دمداری و رهبری جامعه اسلامی در فرآیند بزرگ و جهانی چهل سال دوم انقلاب است.

یکی از وظایف بسیار مهم جوانان از دید رهبری درک درست و شناخت صحیح گذشته توسط آنان است، جوانانی که نسبت به واقعیت و حقیقت گذشته شناختی حقیقی ندارند و با عبور صحیح از گذشته می‌توانند همچون مشعلی در جهت گام برداشتن برای آینده مسیر خود را روشن کنند.

یکی از ویژگی‌های مهم این انقلاب پایان دادن به یک انحطاط طولانی رژیم پهلوی بود رژیمی که سلطنت استبدادی داشت که این سلطنت تبدیل به حکومت مردمی

شد، حکومتی که جوانان میدان دار اصلی آن شدند و با عبارت «ما می‌توانیم» پیش رو این حرکت بودند. از نظر رهبری جوانان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی هستند ایشان معتقدند نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی مهمترین ظرفیت امیدبخش کشور است.

ایشان نوع نگاهی که نسبت به جوانان و امید و آفری که نسبت به عملکرد جوانان در آینده انقلاب دارند بسیار تحسین و قابل ستایش است چرا که از نظر بنده اتکاء به نیروی جوان امروز نتیجه‌ای جز تکیه به جوانان سابق ندارد همان‌هایی که پایه گذار و محرک این انقلاب در سال ۱۳۵۷ بودند.

نگاه ایشان به جوانان در عرصه‌های زیادی قابل رویت است از جمله مواردی چون:

الف) علم و پژوهش: معتقدند باید جوانان در این عرصه با مسئولیت‌پذیری دست به جهادی اکبر بزنند همانند شهیدان هسته‌ای که در این راه خود را فدای جنگی کردند که کمتر از هشت سال دفاع مقدس نبود.

ب) معنویت و اخلاق: استفاده دشمن از ابزارهای رسانه‌ای و پیشرفته در جهت ضد اخلاق و معنویت در جامعه دامن جوانان و نوجوانان را بیشتر درگیر خود می‌کند و این روحیه معنوی‌گرایی را از پایه کودکی دچار آسیب می‌کند که این وظیفه اصلی مسئولان حکومتی است که مراقبت نمایند.

ج) اقتصاد: مقام معظم رهبری توصیه‌ای به جوانان دارند که می‌فرمایند تنها راه برون‌رفت از مشکلات اقتصادی مقاومتی است و جوانان مومن انقلابی با اقتصاد مقاومتی خواهند توانست مایع سربلندی و عزت ایران شوند و راه حل زانو زدن در برابر استکبار برای برون‌رفت از مشکلات را همچون بوسه زدن بر پنجه گرگ می‌دانند.

رهبر خردمند و جوان‌شناس و جوان‌یاور و جوان‌باور، شدیداً به جوانان جامعه دل‌بسته است. او یک مربی عالی‌قدر است که به خوبی جوان، آفاق ذهن، آرمان‌خواهی و دل‌شوره‌های او را می‌شناسد و بهتر از هر کسی، از



رویش‌های عظیم و فتح الفتوح شکفت‌انگیز انقلاب در تربیت نسل جوان متفاوت باخبر است. نکته جالب و بسیار مهم بیانیه گام دوم انقلاب امیدواری رهبری در رابطه با آینده و جوانان است که ایشان می‌فرمایند «من امیدوار هستم که این امیدواری هم کاذب نیست» واقعاً رهبری در چنین شرایطی چرا باید به نیروی جوانان امید داشته باشد؟ امروزه در کشور ما یکی از مشکلات اساسی ضعف مدیریتی مسئولان است که چنین حس بی‌رسمی و ناتوانی به جامعه تزریق کرده و راه حل اساسی آن نیروی انسانی مستعد آرمان‌خواهی چون جوانان هستند، رهبری جوانان را به خط شکنی دعوت کرده است چرا که جوانان در این عرصه اهل مبارزه و رفع مشکلات هستند.

از دید ایشان «دانشجوی نیروی مورد امید یک کشور است، دانشجو است که می‌تواند در مقابل مشکلات بایستد، دانشجو هم جوان است هم عالم، اوست که فردای کشور را باید اداره کند، اوست که باید آگاه باشد تا سنگر ایستادگی را در مقابل زیاد خواهان و فرصت‌طلبان و دیگران تقویت کند، این باید محکم باشد.»

اما همه این حرف‌ها زده شد که به جوانان میدان داده شود اما به این معنا نیست که جوانان سابق کنار گذاشته شوند بلکه باید از تجارب آنان در مسیر پیش‌رو استفاده کرد.

ایشان در جای دیگر معتقدند که تنها راه برطرف کردن مشکلات و برون‌رفت از عیوب به خصوص صدا و سیما نفوذ جوانان آگاه و انقلابی و تزریق اراده و نیروی جوانی خود به سیستم است.

در پایان باید گفت توجه به جوانان یعنی توجه به هویت آینده کشور، آنهایی که میدان داران اصلی گام دوم انقلاب هستند، ما نیز به پشتوانه سخن رهبری و امیدوار بودن به آینده‌ای روشن برای نظام اسلامی ایران و تکیه بر نیروی جوانان و دیدن آنها در پشت میزهای اداره‌ها چشم امید داریم.....



بنیامین نوری
دانشجوی علوم اجتماعی ۹۸

اهل کاشانم

سهراب سپهری متولد مهرماه ۱۳۰۷ در کاشان و از بهترین شاعران معاصر است. شعر او تا حدی با معناست که به زبان های بسیاری مانند انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه شده است؛ او نقش بسیار مهمی در ادبیات ایران و جهان دارد. او علاوه بر شاعری به نقاشی می پرداخته که داستان و شعر زیر گواه این مطلب است:

«یکی از معلم هایش گفته بود تو همه چیزت خوب است و فقط عیبیت این است که نقاشی می کنی! چون سهراب سر کلاس نقاشی می کشید. قریحه اش را داشت و سر هر درسی مشغول نقاشی بود. البته این حرف را معلم نقاشی نگفته بود ها!»

اهل کاشانم

پیشه ام نقاشی است

گاه گاهی قفسی می سازم با

رنگ، می فروشم به شما

تا به آواز شقایق که در آن

زندانی است

دل تنهایی تان تازه شود

او کارهای خود را در نمایشگاه های گوناگون به اجرا در می آورد. نقاشی های او مانند شعرهایش متوجه طبیعت بود.

در چهار دهه زندگی، دو دهه اول را به فراگیری علم و هنر پرداخت، دهه سوم را به کسب تجربه و سفر و دهه چهارم را به سفرهایی دراز اختصاص داد. سفر های وی در اصل سیر و سلوک معنوی بود. توجه خاصی به فرهنگ شرق داشت و به کشورهای هائیتی مانند هندوستان، پاکستان، افغانستان، ژاپن و چین سفر کرده است. مجموعه آثار سهراب به دو دسته کلی تقسیم می شود:

آثار منظوم عبارت است از هشت کتاب، مرگ رنگ (اولین کتاب سهراب)، زندگی خواب ها، آوار آفتاب، شرق اندوه، صدای پای آب که بهترین شعر برای شروع خواندن آثار او است و مسافر، حجم سبز، ما هیچ ما نگاه، آوار کتاب، زندگی خواب ها و تنها

اثر مثنوی او اتاق آبی است.

از ویژگی های اشعار او می توان به موارد زیر اشاره کرد:

(الف) شعر سهراب شعری تصویر گراست و این تصویر گرایی با طبیعت گرایی او رابطه ای عجیب و زیبا دارد.

«مرغ سیاه آمده از راه های دور

می خواند از بلندای بام شب شکست.»

(ب) دیدگاهی عارفانه داشته و خدا را از طریق تشانه های طبیعی درک می کند. «ایمان بیاورد به خدایی که به پیچک فرمود: نرده را زیبا کن.



“
شعر سهراب
سپهری شعری
تصویر گرا و
آمیخته با
نماد های
ادبی خاص
است و در عین
حال
دیدگاهی
عارفانه را
همراه دارد.

سهراب در سال ۵۸ گرفتار سرطان خون شد و نتوانست بیش از یکسال با آن به زندگی بپردازد و در سال ۵۹ به دیدار خالقی رفت که در طبیعت او را غیر مسقیم می دید. او در جوار امام زاده سلطان علی بن محداباقر به خاک سپرده شد.

همه ما ایرانیان مسلمان کتب قرآن کریم و نهج البلاغه و دیوان حافظ را داریم، به نظرم اگر قرار باشد کتابی به آنها اضافه کنیم یکی از گزینه ها بدون شک می تواند هشت کتاب سهراب سپهری باشد...

(ج) شعر او دارای نماد ها و راز و رمز های شاعرانه می باشد که اگر خواننده از آن بی اطلاع باشد نمی تواند شعر او را درک کند.

«من مسلمانم، قبله ام یک گل سرخ»

(د) دارای سبک خاص؛ با اینکه او تسلط خوب و کافی از شعر نیمایی داشت، اما به طور کامل از او پیروی نکرد و سبک خاص خود را آفرید.

(ه) رسایی مقصود در عین کوتاهی بیان؛ سهراب قلم جادویی دارد و می تواند مقصودی را که یک نویسنده در چندین پاراگراف بیان می کند، در یک بیت بیان کند. «چشم ها را باید شست جور دیگر باید دید.»

پرونده مکتب و مدرسه

محسن شیروانی
دبیری الهیات ۹۵



آشنایی زدایی

بعضی امور آنقدر برای ما بدیهی شده‌اند که به چیزی غیر از آنچه درباره آن می‌دانیم و می‌شناسیم و بر آن اساس عمل می‌کنیم، نمی‌توانیم بیاوریم. مدرسه و نظام آموزش مدرسه‌ای رسمی و دولتی از جمله مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی بدیهی برای ما است و شاید به همین دلیل باشد که وقتی به لزوم تحول بنیادین هم می‌رسیم راهکارهایمان تغییری جزئی در دل همان ساختاری است که ما نقش چندانی در شکل‌گیری اش نداشته‌ایم. سند تحول بنیادین و زیرنظام هایش در آخرین حلقه واسطه با عمل، به سازمان‌هایی مانند سازمان برنامه و بودجه می‌رسند که زاینده تفکر مدرن است و رسالتی جز مستحکم کردن نهادهای مدرن ندارد. شاید یکی از راه‌های اساسی برای خروج از این وضع توجه به تاریخ مدرسه و تکوین این نهاد رسمی باشد. مدرسه نوین با "مسیونری" توسط جاستین پرکینز از سال ۱۲۱۵ شمسی در ارومیه پایه‌گذاری شد. تا

مورد دیگر مدارس اسلامی است که اگر عدم بدهت برنامه درسی و تلاش‌های دغدغه‌مندان تربیت اسلامی برای ورود این مباحث به ساختار رسمی آموزش همگانی نبود، شاید با سفت و سخت شدن برنامه درسی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی، راه شکل‌گیری این‌گونه مدارس نیز تا حد زیادی بسته می‌شد. در واقع عدم بدهت یک ساختار نحوه توجه متفاوت و خارج از شکل بسته ساختارها است که امکان تغییر و تحول و منطبق‌سازی با بوم را فراهم می‌سازد. از این دست نمونه‌ها در ساختار آموزش و پرورش و تاریخ آن در ایران بسیار می‌توان ذکر نمود و جالب توجه است که تحولی‌ترین، امیدبخش‌ترین و بومی‌ترین رویدادها در تاریخ مدرسه ایران از ابتدا تاکنون به تلاش‌هایی بازمی‌گردد که از دل مردم و اجتماع شکل گرفته است و نه از طریق ساختارهای دولتی و رسمی همچون قوانین مجلس یا شوراهای عالی. امروزه نیز تلاش‌هایی از این دست در گوشه گوشه ایران در حال رشد و شکوفایی است؛ اما آنچه دست و پای تحول حقیقی آموزش و پرورش را گرفته، نظام بدیهی شده رسمی و عدم نقش‌آفرینی فعال و درست تصمیم‌سازان (مجلس، وزارتخانه و شوراهای عالی) و بخش ستادی آموزش و پرورش است. اگر حقیقتاً در پی تحول بنیادین در نظام مدرسه‌ای موجود باشیم، اولین گام، آشنایی زدایی از آن است و شاید بهترین راه برای این آشنایی زدایی برگشتن به نقطه تولد یا ورود مدرسه به ایران

تحولی‌ترین، امیدبخش‌ترین و بومی‌ترین رویدادها در تاریخ مدرسه ایران از ابتدا تاکنون به تلاش‌هایی بازمی‌گردد که از دل مردم و اجتماع شکل گرفته است.

باشد و جریاناتی که پیش از تبدیل مدرسه به امر متعارف و بدیهی رخ داده است. نقد انضباط مدرن در مدرسه جدید، نقطه سرآغازی است برای توجه به سایر وجوه تحولات تاریخی که امروز کمتر به آن توجه داریم. یکی دیگر از اساسی‌ترین چالش‌ها در نهاد نوین و سنتی تعلیم و تربیت، نوع رابطه دولت و ملت است که به ویژه در بحث تامین مالی آموزش و پرورش در روزگار جدید در عین گسترش چشمگیر آموزش همگانی، چالش‌های فراوانی را نیز به وجود آورده است.

در شماره‌های بعدی نشریه خواهیم خواند:

۱. تولد مدرسه مدرن اروپایی - آمریکایی در ایران (صد سال پیش، نظام آموزشی ایران که تا قبل از آن غیر متمرکز و غیر دولتی بود، به نظامی متمرکز و دولتی و با الگوی آمریکایی تبدیل شد.....)
۲. تامین مالی مدارس: دولت یا ملت...؟
۳. و... برگرفته از متن علی قربانی دبیر هسته تعلیم و تربیت مرکز رشد دانشگاه امام صادق

سیدسجاد هاشمی
دانشجوی الهیات ۹۵

انفجار اطلاعات

با گسترش و انفجار فراوان اطلاعات، در زمان حال کار برای همه‌ی انسان‌ها راحت‌تر شده است. کافی است در مورد مطلبی بی‌اطلاع باشید و نیازمند یک منبع برای کسب اطلاعات، یا چند جست‌وجوی اینترنتی ساده می‌توانید به اطلاعات بسیار زیادی دست پیدا کنید.

در گذشته، آدمی برای دستیابی به پاسخ مجهولات خود شاید می‌بایست ماه‌ها و سال‌ها صبوری می‌کرد یا حتی به سفرهای دور و درازی برای کسب علم می‌رفت. با پدید آمدن صنعت اینترنت و گسترش داده‌ها حال آدمی در دریایی از اطلاعات غوطه‌ور است، اما این اطلاعات فراوان و این حجم از مطالب چندین نیز برای ما کارساز نیستند، برآستی چرا؟ پس چرا هنوز صداهایی راجع به علم قدیم و دنیای قدیم از گوشه و کنار به گوش می‌رسد.

چه چیزی باعث مشکل شده است؟ وقتی به کتاب‌فروشی‌های شهر سر می‌زنیم، پر هستند از کتاب‌های یک شبه معروف شده و پر زرق و برق که در فضای اینترنت و پیج‌های اینستاگرام شهره شده‌اند و وقتی شروع به خواندن می‌کنیم ما را جذب می‌کنند، اما در نهایت با پایان یافتن آن‌ها هنگامی که به آن‌ها فکر می‌کنیم متوجه می‌شویم چیزی به ما اضافه نشده است. دلیل آن چیست؟ شاید کمبود اطلاعات در



دنیای قدیم باعث می‌شد تا کیفیت اطلاعات در سطح بالایی باشد؛ اما کمیت فراوان داده‌های امروزی باعث شده تا مطالب، کیفیت گذشته را نداشته باشد. هنگامی که کتاب‌های جدیدی همچون ملت عشق خانم شاناک را می‌خوانم می‌پرسم که تمثیل بسیار ضعیفی است از متن معنوی اما چیزی فراتر از کتاب و آثار مولانا به ما یاد نمی‌دهد، هنگامی که کانال‌های مختلف مجازی را دنبال می‌کنیم، اگر کمی به فکر فرو برویم، متوجه می‌شویم که فزونی اطلاعات به معنای افزایش یافتن علم نیست. در علم روان‌شناسی باور بر این است که هنگامی که مغز را با انبوهی از اطلاعات مواجه می‌کنیم تنها پنج درصد از مطالب به حافظه بلندمدت انتقال می‌یابد. برای این که هم از دنیای پر از مطالب و در عین حال یافتن منابعی که در طول زندگی مشکلات ما را حل کند بایستی دست به انتخاب بزنیم. زمان محدود و اطلاعات فراوان است بنابراین ما بایستی با مطالبی سرگرم شویم که علاوه بر این که دارای هسته‌های پر مغز هستند دارای ریشه‌های بنیادی و مفید نیز باشند.

اطلاعات امروزی عمق ندارد، حجم اشان زیاد است و حافظه کوتاه مدت ما توان هضم و جذب آن‌ها را ندارد. به جای خوشحالی از داشتن کانال‌ها و پیج‌های فراوان روی دستگاه موبایل‌تان سعی کنید کیفیت داده‌هایتان را بالا ببرید. دنیای امروز دنیای رقابت‌هاست پس سعی کنید مطالب درجه اول را به ذهنتان راه دهید.



مصطفی طاووسی
دانشجوی هیات ۹۵

نقد و بررسی فیلم امتحان نهایی

امتحان نهایی

Final Exams

به غلط این فیلم را در حوزه ی تعلیم و تربیت دسته بندی کرده بود، بدون شک این فیلم هیچ ربطی به حوزه ی تعلیم و تربیت ندارد .

بدون تردید باید گفت که تا تفاوت فیلم ، برای تعلیم و تربیت، با فیلم درباره ی تعلیم و تربیت مشخص نشود نمی توان اصلا به حوزه نقد این گونه فیلم ها ورود کرد.

فیلمی که صرفا درباره زندگی یک معلم ساخته می شود حتی اگر سرشار از نکات تربیتی باشد لزوما فیلم حوزه تعلیم و تربیت نیست . همانطور که اگر فیلمی درباره یک ورزشکار ساخته شود می تواند لزوما فیلم ورزشی نباشد.

حتی اگر با تعریف اول یعنی به صرف داشتن مضامین آموزشی و تربیتی نیز بتوانیم یک فیلم را جزء حوزه تعلیم و تربیت بدانیم نیز باز فیلم امتحان نهایی در این تقسیم بندی قرار نمی گیرد .

حداقل اگر از قبل می دانستیم که امتحان نهایی از فیلم نامه ی عباس کیارستمی استفاده می کند شاید ذوق بیشتری برای تماشايش می یافتیم اما فیلم ضعیف و فیلمنامه ضعیف تر را حتی کیا رستمی هم نمی تواند نجات دهد.

توجه: اگر بعد از خواندن این متن هنوز برای تماشايش امتحان نهایی انگیزه ای برای شما باقی ماند از این جا به بعد متن حاوی اسپویل است.

فیلم با صحنه اشپزی مادر شروع می شود و از دیدگاه مادر به مسئله آموزش معلم خصوصی می پردازد، یعنی صدای تدریس که هنگام کار منزل به گوش مادر می رسد . فیلم ادامه می یابد فرزند خانواده از حقیقت مطلع می شود و سکانس ابتدایی پایان می یابد .

شاید بهترین بخش های این فیلم یکی سکانس موتور سواری سعید با دوستش غلام و دیالوگ های رد و بدل

اگر زمانی فرصت داشتید و در فضای اینترنت جمله ی (فیلم های حوزه ی تعلیم و تربیت در ایران) را جستجو کردید چیز زیادی دست شما را نمی گیرد . اکثر مطالبی که برای شما نمایش داده می شوند درباره جشنواره رشد است که بیشتر با فیلم های کوتاهش شناخته می شود. راستی خود شما اکنون می توانید چند فیلم بلند سینمایی با محوریت حوزه ی تعلیم و تربیت در ایران را نام ببرید؟

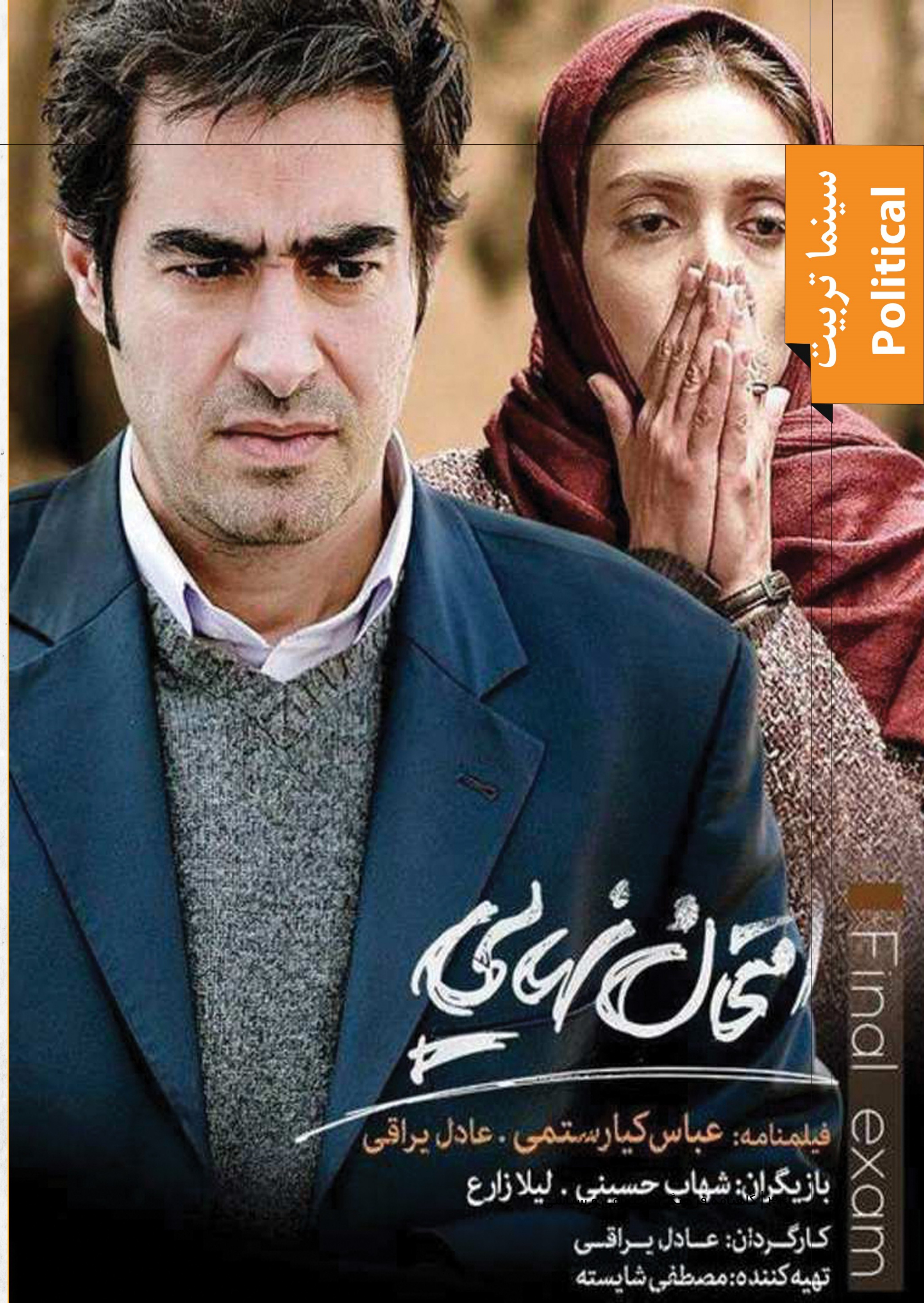
آری شما درست فکر می کنید موارد زیادی در ذهن شما نقش نمی بندد و دلیل ان این است که کلا سینمای ایران به این حوزه از فیلم سازی کمترین میزان اهمیت را می دهد. اما گذشته از این صحبت ها چرا سلیقه مخاطبین ایرانی یا بیشتر به سمت فیلم های طنز و اکثرا لوده می رود ویا در فیلم های تلخ اجتماعی غرق می شود؟ چرا تلاشی برای یادگرفتن و تاثیر گذاری از سالن های سینما در حوزه های دیگر نمی شود؟ و تمامی (چرا) های دیگری که در این مقال نمی گنجد اما لازم است که به این سوالات پرداخته شود.

موضوع امروز نقد فیلم است . فیلمی که یکی از دانشجویان به من معرفی کرد و گفت اگر قصد گفتگو و تحلیل در باره سینمای حوزه ی تعلیم و تربیت را داری این فیلم را تماشا کن و ضمنا تاکید کرد که فیلمی عالیست و به شدت قابل نقد و بحث .

از قبل پوستر های این فیلم را دیده بودم اما فرصتی برای تماشايش نیافتم ولی بعد از اینکه ان دانشجوی به من پیشنهاد تماشايش این فیلم را داد برای تماشايش کنجکاو شدم.

فیلم امتحان نهایی!

فیلمی که بعد از تماشايش و اکنون که در حال نوشتن نقدی بر ان هستیم ، بدون شک در من به عنوان یک معلم کوچکترین تاثیری نمی گذارد و البته لازم به ذکر است که اشتباه ان دانشجوی گرامی را متذکر شوم ، که



سینما تربیت

Political

امتحان نهایی

فیلمنامه: عباس کیارستمی . عادل پراقی

بازیگران: شهاب حسینی . لیلا زارع

کارگردان: عادل پراقی

تهیه کننده: مصطفی شایسته

Final Exam



انها پاسخ داده نمی شود. به شکلی که مخاطب در حین تماشای فیلم احساس می کند پای کاراکترها و داستانشان در گل فرو رفته و نمی توانند تکان بخورند و داستان را به پیش ببرند. مدام در حین تماشا از خودم می پرسیدم چرا اینقدر داستان کند و آزار دهنده پیش می رود.

نکته دیگری که بر ضعف فیلم صحنه می گذارد نبود یک موسیقی پس زمینه حتی ساده برای جلوگیری از اذیت شدن مخاطب در حین تماشای فیلمی که در اکثر دقایقش چیزی برای ارائه ندارد، می باشد.

نکته آزار دهنده دیگری که کاملاً در حین تماشای فیلم مشهود است بازی ضعیف بازیگران حتی شهاب حسینی است. البته که بدون شک اگر بازی لیلا زارع (مادر) را بازی متوسطی قلمداد کنیم می توان بازی حسینی را فوق العاده خواند.

البته یقیناً از بازیگران گمنام این اثر نمی توان انتظار یک بازی حرفه ای داشت اما بازی ضعیف زارع و حسینی در کنار یک دیگر کاملاً مشهود است. زارع اصلاً نتوانسته نقش مادری را که به او سپرده شده است ایفا کند و حسینی در ایفا نقش معلم متوسط رو به ضعیف ایفا نقش کرده است. با وجود اینکه فیلم نامه در ایجاد تعلیق و تنش در داستان به شدت جاقوی کندی در دست دارد و باز هم بازی بی روح زارع روان تماشاگر را مورد غنایت قرار می دهد، که اوج آن در سکانس آهنگری نمود پیدا می کند.

و در نهایت اوج ضعف های امتحان نهایی در اصلاحاتی است که با صدا گذاری های مجدد، کارگردان سعی داشته حفره های داستانش را با آنها پر کند که اگر به تماشای فیلم پرداختید حتما متوجه آن خواهید شد.

با توجه به اینکه یکی از نقش های اصلی فیلم یک معلم است، فیلم اصلاً در باب معضلات معلم بودن یا سخن نمی گوید یا به سرعت از آن عبور می کند.

در پایان فیلم امتحان نهایی تجربه ای ضعیف از تماشای فیلم را در ذهن من نقش می بندد. امید وارم برای شما اینگونه نباشد.



از طریق لینک روبرو
دانلود کنید



“
امتحان در حین
زندگی و زندگی در
حین امتحان
جریان زیبایی است
که فیلم
می خواهد به
نمایش بگذارد.

شده بین آنها و دیگری سکانس امتحان گرفتن از بچه ها در منزل مادر می باشد.

سکانس هایی که، اولی لحظات ناب زندگی دو نوجوان در شهر تهران و دیگری با اندکی دقت در نحوه فیلم برداری و قاب بندی تمام پیام و محتوای بسیار قلیل این فیلم را می رساند.

در مورد سکانس دوم قرار گرفتن دوربین در پشت میز ی که سعید و غلام در حال امتحان دادن می باشد و بستن کادری با این محتوا: در پایین بچه ها که در حال امتحان دادن هستند و بالا، معلم و مادر که در حال گفت و گو می باشند.

امتحان در حین زندگی و زندگی در حین امتحان یا شاید بهتر است بگوییم فیلم می خواسته امتحان گونه بودن زندگی را نشانمان دهد وقتی امتحان سعید را در خانه ی خود از او میگیرد یعنی امتحان اصلی او پاسخ دادن به سوالات مهم زندگیست است که در محل امتحان (خانه) جریان دارد.

و باید دید نتیجه این امتحان، که مثل آزمونی که می دهد نهایی است و نتیجه اش در زندگی تاثیر گذار چه می شود. باید دید سعید همانگونه که به سوالات ریاضی، که دبیرش قرار است ناپدریش شود پاسخ می دهد، می تواند به پرسش ها و چالش های زندگی که با ورود همان دبیر به جریان حیاتش ایجاد می شود را پاسخ دهد؟

ایا در این امتحان مردود خواهد شد؟ نکته ظریف دیگری که وجود دارد حضور غلام (دوست درجه یک سعید) در مسیر تصمیم گیری های سعید است.

غلام کسی است که اتفاقاً بر عکس سعید در امتحان نهایی خودش مردود شده و دارد دوباره این پایه را می خواند. نقطه اشتراک این دو دوست نداشتن پدر است یکی به علت طلاق و دیگری به علت مرگ. در واقع سعید دارد با نسخه مردود شده خودش در امتحان نهایی رفاقت می کند در واقع غلام اینبه تمام نمای سعید است، در صورتی که نتواند تصمیم درستی بگیرد.

فیلم باید به تمامی پرسش های بالا پاسخ دهد اما کاملاً آزار دهنده با پایدانی باز مخاطب را به حال خود وامی گذارد. و مخاطب باید از تخیلات خویش بهره بگیرد تا بتواند در لحظه پخش تیتراژ مسیر نهایی داستان را در ذهن خود تداعی کند.

بزرگترین ضعف امتحان نهایی فیلمنامه تنبل و کسل کننده ان است با کمترین پیچش ها و پستی و بلندی ها و همینطور نقاط مبهمی که حتی تا پایان فیلم نیز



مسعود عبادتی
دانشجوی هیات ۹۵

چه مرگتونه...

گفت و گویی پیرامون
عدالت آموزشی با دکتر محسن خاکی

حتما می پرسید که این چه عنوانی است و پاسخ می دهم که حتما باید مطلب را بخوانید تا متوجه شوید؛ شامگاه شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ بود، بعد از کارگاه موانع عدالت آموزشی با سخنرانی حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر خاکی، مصاحبه ای با ایشان داشتیم.

به شخصه تاکید می کنم که خواندن این مصاحبه یا حتی شنیدن فایل صوتی آن برای هر دانشجو معلمی به خصوص آن دسته از عزیزانی که دغدغه عدالت آموزشی را در ذهن خود دارند، واجب است؛ چرا که مطمئن هستم مفید و مثر ثمر خواهد بود. پس بدون اتلاف وقت شما را به مطالعه متن این مصاحبه و یا شنیدن صوت آن دعوت می کنم.

عرض سلام و ادب و احترام خدمت حاج آقا خاکی عزیز، امیدوارم که خسته نباشید، بعد از یک جلسه طولانی در خدمت شما هستیم. - علیک سلام مسعود عزیز. سلامت باشید.

بحث جلسه عدالت آموزشی بود و خیلی صحبت ها، خیلی نقد ها، خیلی سوالات مطرح شد منتهی حالا من خودم این سبک سوال و جواب پرسیدن رو زیاد قائل بهش نیستم یعنی یک سوال بپرسم و یک جواب چکیده کوتاه داشته باشیم؛ چون خیلی حرف ها حتما پشتش شهید بشه ولی خب اگر سعی بشه چون ما اینجا به پنج تا شش تا سوال طراحی کردیم و اگر بشه توی یک ادبیاتی و توی یک سیری شما پاسخ بدهید.

عدالت آموزشی را در یه کلام ساده برای ما تعریف کنید؟

فکر کنم تعریفش خیلی چیز پیچیده ای نباشه؛ اگر آموزش رو ما یک حق تصویر کنیم نه یک کالا، اون وقت عدالت آموزشی میشه دادن این حق به همه، به نحوی که مثل هر حق دیگری، دسترسی بهش برابر باشه خب؟

اگر آموزش رو مثل سیب زمینی ببینیم که میشه خریدش و فروختش، بلکه ما آموزش رو خیلی ساده مثل حق رای ببینیم؛ همه اون انتظاراتی رو که ما در مورد حق رای داریم، می گوییم عدالت در حق رای چیست؟ همه به یک اندازه امکان مشاقت در سر نوشت سیاسی را داشته باشند صرفه از جایگاه، پایگاه، خانواده، درآمد و ...

به نظر من بهتر اینکه عدالت آموزشی را نفی ای تعریف کنیم نه اثباتی یعنی چه؟ نیستش رو بگیریم؛ عدالت آموزشی این نیست که هر عامل دیگری به جز همین انسان بودن بتونه روی دسترسی شما به آموزش اثر بگذارد؛ در هر نقطه ای که عامل دیگری به جز انسانیت تونست روی دسترسی شما به آموزش اثر بگذارد و شما رو از حق آموزش کمالات برابر با دیگران، برابر به معنی مشابه نیست، یه نفر که استعداد ورزشی داره رو باید ورزشی تمرین داد... یه نفر که استعداد ریاضی داره رو باید ریاضی تمرین داد اما هر دوتاشون را به یک اندازه، مثل حقوق زن و مرد که متفاوت اند اما یکسان اند؛ اگر یکسانی اتفاق بیافته به نظرم عدالت آموزشی شده، تصور سادش هم اگر همه انتظاراتی که ما از حق رای داریم یا از هر حق دیگری مثل حق سلامت، حق امنیت، اگر بفهمیم که آموزش حقیقه، حق مفهوم عدالت آموزشی ساده میشه و کاملاً یک فهم فطری که با اکثر آدم ها صحبت کنید به سادگی درکش می کنند خیلی پیچیدگی نظری نداره؛ یعنی (۱) حق بفهمیمش، (۲) به اینکه چی نیست درکش کنیم نه اینکه چی هست اون وقت بیانش سادست

به نظرتون حرکت و سیر آموزش و پرورش ما توی ایران چطور بوده؟ چه کار کرده؟ چطور پیش رفته که الان باید بحث عدالت آموزشی مطرح بشه اصلاً؟

والا خلاصه بگم مجبورم جواب کلی بگم؛ چون اگه بخوام جواب درست بدم که مجبورم توضیحات جزئی بدم که از حوصله این حرفا خارج میشه ولی میخوام دو تا نکته بگم؛ یک اینکه ما چه مسیری رو طی کردیم که وضع آموزشمون توی بحث عدالت اینه و سوال قبل از آن این است که ما



طی کردیم حالا با صحبت هایی که یکم تو جلسه شد خلاصش اینه ما تو اداره اجتماعی از یک دهه بعد از انقلاب از ایده جمهور رفتیم به ایده بخشی از جمهور، یعنی ما اولش گفتیم که حقوقی که تعریف میکنیم و اهداف و آرمان هارو که تعریف می کنیم، میخوایم به همه ملت ارائه بدیم از یه جایی به بعد این اسرارمون به ارائه این حقوق برای همه ملت رو کنار گذاشتیم یا آگاهانه یا نا آگاهانه، یا عامدانه یا غیر عامدانه. این بحث دیگه ای است ولی ما رفتیم به سمت اینکه بهره مندی از مواهب که مواهب هم حقوق حقیقی اتد که در سواله یکم عرض کردم و هم کالا اند؛ سیب زمینی و گوجه و ماشین و چی و چی و چی... این رو برای طبقه ای از جامعه اگه فراهم بشه این حله؛ شاید اگه بخوام بیان دیگه از این داشته باشم، ما سرجمع کل ایران از نحوه توزیع مسائل در ایران برامون مهمتر شده یعنی: اینو گفتیم؛ که ایران چقدر

نخورده؛ این خونه هارو کیا دارند؟ کیا ندارند؟ در صورتی که مسیر درستی که باید میرفتیم این بود که کل آرمان های انقلاب رو ما متوازن و یک دست پیگیری کنیم، به میزانی که میگیم کشور این قدر رشداقتصادی داشته؛ از این هم پرسش کنیم که این رشداقتصادی چه طور توزیع شده؟ به میزانی که میگیم ما جلوی امریکا ایستادیم و استقلال داریم؛ از اینم پرسش کنیم که آیا ساختار هایی که داریم پیاده میکنیم ساختار امریکایی نیست؟ مردم امریکا وضع مسکنشون چجوریه اگه ما وضع مسکنمون شبیه امریکا باشه آیا ما امریکا نیستیم؟ اینکه یه عده از مردم شعار میدهند دشمن ما

همین جاست دروغ میگن امریکاست. من با نصف اولش موافقم گرچه با نصف دومش مخالفم. نه، اینکه ما میگیم دشمن ما امریکاست دروغ نیست راسته، اما اینکه دشمن ما همین جا هم هست درسته، هر آنکس که اینجا رفتاری مثلاً سرمایه دارانه، مثلاً غیر عادلانه، مثلاً غیر آزادی خواهانه، انجام بده خب این داره همون کاری رو میکنه که داره توی امریکا اتفاق میافته؛ یه بخشی از امریکا اینجا پیاده میشه. به نظرم من، مابه شعار های انقلاب متوازن نپرداختیم؛ به طور مشخص، پیشرفت و استقلال و امنیت، این سه تا، اومدند جای آزادی و عدالت و معنویت، این یکی سه تا نشستند و خودشون شدند فقط. نه اینکه هر شش تاش رو با هم میخواستیم این باعث شد که قصه



عدالت فروگذار بشه اونوقت عدالت تو کل اجتماع فروگذار شد. خب توی اجتماع فروگذار شد، توی تعلیم و تربیت هم فروگذار میشه. کما اینکه تو مسکن هم فروگذار میشه جاهای دیگه هم فرو گذار میشه، این روند کلی رو باید بفهمیم؛ نقطه عطف این روند کلی پایان دهه شصته؛ به نظرم نقطه عطف این روند رفتن امام و بروز و ظهورش رو سال ۶۸ میدونم.

به نظر تون هدف ما از یک آموزش و پرورش عدالت محور چیه؟

اون که تو قانون اساسی اومده؛ شما وقتی باز میکنید، میشه از رو بخونیم؟ [و اینجا استاد کتابچه قانون اساسی را باز کردند و از رویش خواندند] اینکه شما ببینید اهداف عملیاتی قانون اساسی تو اصل ۳ قانون اساسی اومده، یکی ازین اهداف عملیاتی یعنی بند ۳ از اصل ۳ اینه؛ آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح؛ این نسبت به آموزش و پرورش، رایگان باشه، برای همه باشه، در تمام سطوح و برابر باشه. این کار عملیاتی ماست.

حالا ما چرا میخواهیم این کار عملیاتی رو انجام بدیم؟ یعنی چرا میخواهیم آموزش و پرورش عدالت محور داشته باشیم؟ چون بر اساس اصل دوم ما قائلیم که اگر آموزش و پرورش عدالت محور نداشته باشیم، در اصل دوم جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به یک خدای یکتا و اختصاص حاکمیت تشریح به او و لزوم تسریع در برابر امر او؛ ما می‌میگیم آموزش و پرورش عادلانه نداشته باشیم؛ گروهی از جامعه که کیفیت آموزشی بهتری

دارند می‌تونند عقاید خودشون رو بر بقیه‌ی توده‌های جامعه تحمیل کنند بدون اینکه اون گروهی که مورد تحمیل قرار می‌گیرند، به لحاظ ذهنی و فکری توان مقابله داشته باشند یعنی در معرض استثمار، درستش استبداده، در معرض استبداد فکری قرار میگیرند، اصل دو قانون اساسی شما بند شش میگه: کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او. که مبتنی بر چیست؟ که مبتنی بر سه تا اصله. اصل (ج) آن اینه؛ نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ من اگه بخوام سلطه‌گری و سلطه‌پذیری نباشه تمام افراد جامعه ما باید آگاهی سیاسی داشته باشند؛ حالا اگه یه بخشی از جامعه آموزش بهتری بگیره، آگاهی سیاسی بیشتری بگیره میتونند سر یه بخش دیگه ای از جامعه رو گول بماله؛ خب وقتی سرش رو گول بماله، این بند (ج) اتفاق نمی‌افته. یعنی اگر ما اصل سه قانون اساسی رو اجرا نکنیم، اصل دو قانون اساسی حاصل نمیشه، اگر ما آموزش و پرورش عدالت محور نداشته باشیم نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری اتفاق نمی‌افتد. یا پایین ترش میگه: همبستگی ملی را تامین کند، همبستگی ملی تامین نمیشه؛ به تعبیر مرحوم شهید بهشتی این چه برادرست که شما میگویید من در صف نماز در کنار تو نماز می‌خوانم و با تو برابرم و برادرم ولی به محض اینکه از مسجد خارج می‌شویم زندگی‌هایمان شبیه دو برادر نیست؛ یکی سیر است و یکی گرسنه، یکی سقف دارد و یکی بی‌پناه، یکی یکی ... اصل سه قانون اساسی میگه شرط اینکه برادری و همبستگی ملی اصل سه برقرار باشه اینه که چی باشه، اینه که آموزش عدالت محور بشه و الا (۱) شکاف اجتماعی ایجاد میشه مردم از هم متنفر می‌شوند (۲) این تفرق به قیمت بهره‌مند گروهی و له شدن گروهی تموم میشه. من به طور مشخص و جدی از این می‌ترسم که بی‌عدالتی آموزشی، همبستگی اجتماعی مارو نابود کنه، من نگران اخلاق اجتماعی ام ولی اخلاق اجتماعی رو روانشناسانه تحلیل نمی‌کنم، که مردم باهم مهربون باشید، چچوری با هم مهربون باشیم وقتی ما گرسنه ایم و شما سیر؟ اگه دنبال محبت اجتماعی، اگه دنبال صلح و همبستگی اجتماعی هستیم، راهش عدالتته. عدالت نباشه، صلح نیست؛ عدالت نباشه هم بستگی نیست. اخلاق نیست. نکته اینه عدالت مسیر اون وضع بایسته است.

در گام دوم انقلاب موانع تحقق عدالت آموزشی از نظر شما چیه؟

من به نظرم اگه خود بیانیه گام دوم رو که گرچه ممکنه هر کدام از ماها انتقاداتی بهش داشته باشیم ولی توی ساخت کلیش ببینیم، ایشون بعد از قسمت ابتدای بیانیه که مفهوم محوری شون اینه، ما یک نهضت مستقیم و ما پیشیمان نیستیم، خطا پذیر هستیم، انتقاد پذیر هستیم اما پیشیمان نیستیم؛ بعد از کوبیدن مهر این پیشیمان نیستیم، ایشون هفت تا برکت از انقلاب اسلامی میگن و هفت نقطه ضعف یا در واقع هفت توصیه؛ هفت برکتشون اینه که این انقلاب امنیت و تمامیت ارضی آورده، علم، فناوری و زیرساخت اقتصادی آورده، مشارکت مردمی و خدمت‌رسانی آورده، بینش سیاسی عمومی رو بالا آورده، بهبود عدالت در سطح امکانات عمومی کشور تا حدی کرده، معنویت و اخلاق عمومی رو تقویت کرده. و مقاومت و استقلال این ملت در مقابل بیگانگان رو آورده... اما خود ایشون جای دیگری هم گفتند، که اون



است. ایشان بعد این هفت توصیه به آزادی و استقلال تاکید بیشتری دارد و یک نسخه می‌پیچند کل بیانیه گام دوم آن نسخه میباشد عنوان آن نظام‌سازی انقلابی است. برای اینکه ما از این وضع بد بیرون بیاییم دو تا خطا ممکن است اتفاق بیفتد بعضی‌ها بگویند که وضع حکومت بد است ما برویم و در بیرون از ساختار حکومتی به دنبال اصلاح باشیم. به طور مثال اگر وضع مدارس بد است ما برویم و یک مدرسه بیرون از حکومت تاسیس کنیم، تا بتوانیم یک گروهی از دانش‌آموزان را نجات دهیم حالا می‌تواند دولتی باشد غیر انتفاعی باشد و ... منتها بیرون از ساختار رسمی دولت به طور مثال آموزش و پرورش که ما به آن نظام تعلیم و تربیت رسمی ما می‌گوییم ایشان این را به کار

نهضت باید به عنوان روح زنده تحول ساز در تن خشک نظام نفوذ کند، و روز به روز این تن را نوع کند.

بخش‌هایی از این که به ساحت پیشرفت مربوطه به طور مشخص امنیت و تمامیت ارضی، علم و فناوری و زیرساخت اقتصادی، مقاومت و استقلال. آنهایی که مایه پیشرفتی دارند به نظر خوب پیش رفته و آنهایی که مایه عدالتی دارد به نظر که بد پیش رفته؛ و درست است که ایشان همین هفت محور را در قسمت توصیه‌ها بیان می‌فرمایند در جلوی همین هفت محور قسمت‌هایی که بیشتر بر روی آن تاکید می‌کنند در آن هفت توصیه مرحله دوگانه استقلال و آزادی است که میگن استقلال نباید آزادی را تحت‌الشعاع قرار بدهد، آزادی باید برقرار بشود بعدی عدالت مبارزه با فساد



محمد فضالی
دانشجوی علوم اجتماعی ۹۵

کاریکاتور با موضوع ترور رسانه ای آمریکا

و در آخر؛ عنوان مصاحبه را چه چیزی پیشنهاد میکنید؟
خدا می فرماید:
مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ مَا لَكُمْ فِي عَرَبِيٍّ يَعْنِي چیه مرگتونه؟
چه مرگتونه که وقتی بهتون میگم پاشید و کاری نکنید ، چسبیدید به زمین. به بیان ما فارس ها چسبیدید به زمین یعنی چرا تن لاش اید. اثَّاقَلْتُمْ. یعنی سنگینی میکنید و به زمین می چسبید. چه مرگتونه که سنگین شدیم. چرا سبک نیستیم و کم تحرکیم برای عدالت و هر چیز دیگری.
من احساس میکنم خود خواهی یا خود کم بینی به معنای زیاد بزرگ دیدن ساختار و گفتن این که ما کاری از دست مان بر نمی آید؛ خود خواهی و تنبلی دو ریشه چسبندگی است.



لینک صوت مصاحبه



خشک نظام نفوذ کند، روز به روز این تن را نوع کند. به همین دلیل ایشان می فرمایند کسانی به دنبال تحولات آن باید بیایند و پروژه تحول را نه زیر نظر حاکمان رسمی؛ به این معنا که دهنش آن را ببندند و حاکمان تحول را هم شما به ما بگویید که چگونه است؛ باید فکر آزاد بکنید پروژه تحول را در ساختار رسمی پیش ببرید و به عبارتی تحول خواهی و دقیقاً به معنای آزادی خواهی است.
مهمترین ابزاری که می توان به وسیله آن به مردم خدمت کرد حکومت است حکومت قهر نکند و حکومت زده نباشید و باحکومت کار کنید اما نه به صورت کورکورانه هوشمندانانه نقادانه و حساب شده و فعال؛ این یعنی این نظام سازی انقلابی.

بحث عدالت آموزشی در این چهارچوب چگونه می شود؟

هر گونه عدالت خواهی ما باید در چارچوب اصلاح ساختار های ما باشد مثلاً در بحث بودجه آموزش و پرورش باید از توزیع متناسب با بودجه و حمایت از مناطق محروم و اینها دفاع بکنیم. این باعث می شود که ما خودمان را بی مسئولیت نسبت به مسائل کشور بدانیم و نه بگوییم که هیچ کاری نمی شود کرد، نه بگوییم که نظام اسلامی است و همه چیز خوب است، من یک خطر دیگره اینک به دنبال عدالت خواهی به دنبال طلب صنفی خود بیفتیم، آسیبی که عدالت خواهی آموزشی ما دارد این است که عدالت خواهی را بیشتر از آنکه برای آموزش و پرورش بکنیم در جهت منافع خود طلب می کنیم.

خلاء آموزشی ما در آموزش و پرورش از چه چیزی نشأت می گیرد؟

در تحلیل های اجتماعی نباید تک عاملی حرف بزنیم بهتر است که این سوال را اینگونه پرسیم خلع عدالت آموزشی در آموزش و پرورش فعلی بیشتر تحت تاثیر چه عواملی است به نظر من جواب این سوال غیر سیاسی شدن معلمان می باشد. غیر سیاسی شدن بدنه آموزش و پرورش. از زمانی که ما غیرسیاسی شدیم به این معنا که یا فقط بر روی کلاس تمرکز کردیم یا به اینکه در موقعیت های کلان کشور چه اتفاقی دارد می افتد یا بعضی ها ما به دنبال این رقابت افتادیم که هم اکنون در آموزش و پرورش من کجا بروم که نان بیشتری داشته باشم...



محمد امین کرمانی
دانشجوی علوم تربیتی ۹۵

بیمه عمر آسیا

برای تضمین آینده بهتر
برای خود و خانواده تان

تاریخچه شرکت بیمه آسیا

تاسیس در سال ۱۳۳۸

انتقال پرتفوی بیمه های عمر به شرکت بیمه آسیا در سال ۱۳۵۸

صدور مجدد بیمه های عمر مختلط از سال ۱۳۷۳

رتبه اول بیمه آسیا در صد برند برتر برای پنجمین سال متوالی

اولین شرکت بیمه در ارائه بیمه های عمر و پس انداز بعد از انقلاب

اولین شرکتی که سررسید بیمه نامه های عمر را با بیش از یک میلیون و نیم بیمه گذار در پایان قرارداد تجربه کرده است.

رتبه یک توانگری مالی با توجه به سهم بازار

رتبه اول در میزان رضایتمندی مشتریان و پاسخگوی به شکایات

به روز بودن پاسخگویی به خسارات

به طور کلی بیمه های عمر را می توان به سه دسته تقسیم نمود که توضیح اجمالی هر دسته و انواع بیمه های عمر و پس انداز آن که در کشور ما ارائه می شود به شرح زیر است:

پوشش امراض صعب العلاج

انتخاب این پوشش اختیاری است. در صورتی که بیمه شده دچار یکی از امراض خاص شود کل سرمایه امراض خاص تحت پوشش بیمه نامه به بیمه شده پرداخت می شود. پوشش می تواند تا ۳۰ درصد سرمایه فوت انتخاب شود.

سقف پوشش ۵۰ میلیون تومان است. حداقل سن ۱۰ سال و حداکثر سقف پوشش تا ۶۰ سالگی بیمه شده است.

سکته قلبی، سکته مغزی، جراحی عروق کرونر قلب، پیوند اعضای حیاتی و خرید اعضای حیاتی، انواع سرطانها (جز سرطان پوست) دوره انتظار هریک از بیماریها شش ماه از تاریخ می باشد.

پوشش معافیت از پرداخت حق بیمه

از کارافتادگی کلی و دائمی عبارت است از ناتوانی کامل بیمه شده در انجام هرگونه شغل یا فعالیت متناسب با تجربه و تحصیلات و آموزش وی در اثر بیماری و یا حادثه می باشد. در صورت از کار افتادگی از پرداخت حق بیمه سنوات آتی تا پایان مدت بیمه نامه معاف خواهد شد. معافیت از پرداخت حق بیمه شامل از کارافتادگی هائی می گردد که از شروع پوشش بیمه هجده سالگی و تا قبل از پایان سن شصت سالگی می باشد و منطبق با تعاریف فوق باشد و به تایید پزشک یا پزشکان معتمد بیمه گر رسیده باشد.

پوشش نقص عضو و از کارافتادگی کامل جزئی یا کلی

عبارت است از قطع، تغییر شکل و یا از دست دادن توانایی انجام کار عضوی از اعضای بدن به علت حادثه به وجود آید و حداکثر تا دو سال بعد از وقوع حادثه بروز نماید و وضعیت دائم و قطعی داشته باشد. این پوشش اختیاری است. بیمه گذار می تواند پوشش تکمیلی از کار افتادگی ناشی از حادثه را تا سقف صد درصد سرمایه فوت به عنوان از کارافتادگی حادثه انتخاب نماید. بیمه گذار میتواند این پوشش را نصف یا یک برابر سرمایه فوت انتخاب نماید. حداقل سن برای دریافت این پوشش ۱۰ سال تمام است. سقف پوشش تا ۷۰ سالگی بیمه شده می باشد.

پوشش جبران هزینه پزشکی

انتخاب این پوشش اختیاری است. پوشش می تواند ۱۰ درصد سرمایه فوت حادثه انتخاب شود. شروع پوشش از سن ۱۰ سالگی میباشد. سقف پوشش تا ۷۰ سالگی بیمه شده است. سایر شرایط مطابق با شرایط فوت حادثه می باشد. انتخاب این پوشش مشروط به انتخاب پوششهای فوت حادثه و نقص عضو ناشی از حادثه میباشد.

پوشش فوت ناشی از حادثه

حادثه عبارتست از هر واقعه ناگهانی ناشی از یک عامل خارجی که بدون قصد و اراده بیمه شده در مدت بیمه نامه رخ دهد. انتخاب این پوشش اختیاری است. اگر فوت بیمه شده ناشی از حادثه باشد علاوه بر سرمایه فوت مبلغ سرمایه فوت حادثه هم به ذینفعان پرداخت می شود. این پوشش به بیمه شده تعلق میگیرد. (افراد بالای ده سال) مبلغ این پوشش میتواند تا سه برابر سرمایه فوت باشد. حداکثر سن ورود شصت و پنج سالگی و سقف پوشش تا هفتاد سالگی بیمه شده

پوشش سرمایه فوت

مبلغی است که بیمه گذار در زمان عقد قرارداد انتخاب می کند تا به موجب آن در صورت فوت بیمه شده به هر علت، به ذینفعان پرداخت شود.

این پوشش به محض عقد قرارداد با دریافت اولین حق بیمه مشمول بیمه شده است. مبلغ سرمایه فوت می تواند از یک تا بیست و پنج برابر حق بیمه سالانه باشد.

هر چه حق بیمه بیشتر باشد، بیمه گذار می تواند سرمایه فوت بیشتر انتخاب کند. سقف سرمایه فوت ۵۰۰ میلیون تومان است

حداکثر سن ورود شصت و پنج سالگی و سقف پوشش تا هفتاد سالگی بیمه شده وجود این پوشش برای بیمه نامه اجباری است.

پوشش جبران هزینه پزشکی

انتخاب این پوشش اختیاری است. جبران هزینه های پزشکی بیمه شده که ناشی از حادثه باشد بدون کسر فرانشیز پرداخت خواهد شد. پوشش می تواند ۱۰ درصد سرمایه فوت حادثه انتخاب شود.

شروع پوشش از سن ده سالگی میباشد. سقف پوشش تا هفتاد سالگی بیمه شده است. سایر شرایط مطابق با شرایط فوت حادثه می باشد. انتخاب این پوشش مشروط به انتخاب پوششهای فوت حادثه و نقص عضو ناشی از حادثه میباشد.

معافیت از پرداخت حق بیمه در صورت از کار افتادگی کامل و دائم بیمه گذار (حامی)

در صورتیکه بیمه گذار پوشش های طرح حامی را خریداری نموده باشد، چنانچه در اثر حادثه از کارافتاده دائم و کامل گردد یا فوت نماید، بیمه گر متعهد پرداخت مابقی حق بیمه تا سقف سرمایه قرارداد خواهد بود.

شرایط و استثنائات پوشش های فوت در اثر حادثه و معافیت از پرداخت حق بیمه در صورت از کارافتادگی کامل و دائم بر پوشش حامی نیز حاکم می باشد

اگر بیمه گذار و بیمه شده شخص واحدی نباشند پوشش تعلق خواهد گرفت. این پوشش بر اثر حادثه از سن هجده تا پایان سن شصت سالگی بیمه گذار به شرط شاغل بودن وی ارائه می گردد. پوشش از کار افتادگی بر اثر حادثه از سن هجده تا پایان سن شصت سالگی بیمه گذار و فوت تا هفتاد سالگی به شرط شاغل بودن وی ارائه می گردد.

بزرگترین فرصت اشتغال به کار در پولسازترین صنعت کشور با تدبیر و طرح اختصاصی شرکت حامیان فردای روشن بیمه آسیا با مدیریت راهبردی محسن پجیرایی، ابرمرد احیای صنعت بیمه کشور

(۰۳۱۳۲۶۴۲۹۳۰ یا ۰۳۱۳۲۶۴۲۹۳۱ داخلی ۱۵)



اگر خدای نکرده نباشی؟...



هزینه های بالای درمانی و نگهداشت سلامت خود و خانواده



درآمد ثابت و تضمین شده برای زمانی که نمی تونید یا نمی خواهید کار کنید.



علاقه مندان جهت اطلاع از طرح های ویژه بیمه عمر آسیا و در صورت تمایل به همکاری با شماره زیر تماس حاصل فرمائید.

محمدصابر

۰۹۱۳۵۴۷۵۷۳۷

محمد امین کرمانی

۰۹۱۳۳۷۶۲۱۲۸

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عمّار
بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهیدآیت نجف آباد
آدرس سایت

<https://Ayatbso.ir>

پست الکترونیک

Info@ayatbso.ir